



کارگر کمونیست ۹۲

پنجشنبه، ۲۱ شهریور ۱۳۸۷
۱۱ سپتامبر ۲۰۰۸

دو هفته یکبار، پنجشنبه، منتشر میشود

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران - درباره مسائل جنبش کارگری

kargar_komonist@yahoo.com

www.wpiran.org/kk-index.htm



کارگران و تشکل

متن گفتگویی با کاظم نیکخواه در برنامه تلویزیونی "کارگران و یک دنیای بهتر"

واحد این را دیدیم. بعد از آن در مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و الان در کیان تایر و نساجی شاهو. یک جنب و جوشی در این زمینه هست و در عین حال اقدامات و تلاشهای عملی که در این جهت صورت گرفته. به هر حال این یک طرف تصویر است و یک بحث دیگر

یکی از خواسته هایی که مطرح میشود این است که کارگران میخواهند نماینده شان را انتخاب کنند شوراهای اسلامی را نمیخواهند و میخواهند تشکلهای خود را داشته باشند. اینها به هم متصل شده یعنی تمام خواسته های کارگران به مساله تشکل وصل است. برای مثال در اعتراض کارگران شرکت

شاهلا دانشفر: کاظم نیکخواه بحث مهمی است: مساله تشکل. این مساله یعنی مساله و موضوع سازمانیابی بحثی است که الان وسیعا به مشغله کارگران تبدیل شده. کارگر وقتی دستمزدش را میخواهد بگیرد، وقتی مسئله شغلی و ایمنی برایش مطرح میشود و کلا هر اعتراضی که هست فوری

صفحه ۵



ناصر اصغری

در اواخر دهه هفتاد قرن ۱۹ میلادی (۱۸۰۰)، این رشد و توسعه در صناعی که موضوع اصلی انقلاب صنعتی اول بودند، صناعی چون آهن و راه آهن، معادن و پارچه بافی، کاهش پیدا کرد. همزمان با رو به

اتحادیه ها و انقلاب صنعتی دوم

بخش دوم

صنعی اول و دوم، انقلاب صنعتی اول با توسعه و رشد صنعت و سرمایه داری، طبقه کارگر را نیز رشد داد. نه تنها از لحاظ عددی در مدت زمان کوتاهی میلیون ها دهقان از زمین کنده شده و مهاجر وارد این عرصه از تولید شدند، بلکه تشکل های توده ای کارگران نیز با همان آهنگ و سرعت پا گرفتند. اما

تأثیر انقلاب صنعتی دوم در شکل گیری اتحادیه های معاصر در تاریخ معاصر، و در تاریخ جنبش کارگری، و اتفاقا برای درک تفکیک ذکر شده بالا، و برای درک بهتر وضعیت امروزی تشکل های موجود کارگری، حیاتی است که دو دوره از رشد و توسعه سرمایه داری را از هم تفکیک کنیم. دو دوره انقلاب

صفحه ۳

نه "صبر" میکنیم، نه "جزع و فرع"!

مشکلات تمام نمی شود.... صبر را در نظر داشته باشید، بسازید و تحمل کنید.... اما در مشکلاتی که قابل حل نیست، نباید بی صبری، بی تابی و جزع و فرع یا حرکت ناشایستی کرد."

خودش بلند شده، از همه خواسته که او را "حلال کنند". و علاوه بر توصیه بر تقوی الهی، به مردم توصیه کردند که: "... ممکن است گرانی باشد که هست، شاید آینده بهتر شود یا بدتر، خدا می داند؛ اما

یاشار سهندی

ما توی زندگی مان کم نشنیدیم که میگورند: "طرف نفسش از جای گرم برمیخیزد!" آیت الله جنتی که گویا حس زده بوی الرحمن شخص

صفحه ۹



مجمع عمومی مشترک پنج کارخانه یک تجربه مهم

شاهلا دانشفر

کارگری را در مقابل جنبش کارگری گذاشت و یک تجربه آموزنده و مهم برای کارگران در سراسر ایران است. در همین مدت ما شاهد اعتراضات هر روزه کارگران این کارخانجات، پافشاری آنها بر خواسته های شان، همبستگی و اتحاد این کارخانجات با هم، اطلاع رسانی آنها به مردم شهر و تلاش کارگران برای جلب حمایت مردم شهر سنجند بودیم. اعتراضاتی که اخبار آنها در همین شماره کارگر کمونیست میخوانید. باید از تجربه کارگران در شهر سنجند درس گرفت.

در شرایطی که جنب و جوش وسیعی در مراکز مختلف کارگری در سطح سراسری وجود دارد، در شرایطی که خواسته های مشترکی این مبارزات را بهم پیوند میدهد،

صفحه ۱۱

حتما خبریابی مجمع عمومی مشترک کارگران پنج کارخانه را در این شماره کارگر کمونیست بخوانید. برپایی مجمع عمومی ۵ کارخانه فرش غرب بافت، پریس، نساجی کردستان، قطعات فولادی و آجریزی در شهر سنجند و تصمیم گیری کارگران برای پیشبرد مبارزه ای متحد حول خواسته های شان یک رویداد امید بخش و مهم در جنبش کارگری است که باید از آن درس گرفت. این مجمع عمومی وسیع به دعوت اتحادیه آزاد کارگران ایران برپا شد و در آن کارگران در مورد مسایل و خواسته های مشترکشان به بحث و گفتگو نشستند. این ابتکار کارگران در واقع یک راه عملی دامن زدن به یک جنبش سراسری برای برپایی مجامع عمومی کارگری بعنوان ظرف اعتراض و ابراز اراده مستقیم کارگری و نطفه پایه ای شوراهای

فراخوان حزب بمناسبت شروع سال تحصیلی جدید:
مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را گسترش دهیم!

گزارشی از شرایط کار و زیست کارگران
کوره های آجر پزی ارومیه - صفحه ۱۰

اخبار اعتراضات کارگری در ایران
صفحات ۱۸-۱۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

فراخوان حزب بمناسبت شروع سال تحصیلی جدید :

مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را گسترش دهیم!

بر متن گسترش این اعتراضات باید آماده شد تا جمهوری اسلامی را به قدرت انقلابی کارگران و مردم آزاده به زیر کشید. شما دانشجویان و معلمان نقش مهمی در گسترش و پیشروی مبارزات آزادیخواهانه مردم داشته اید. اوضاع سیاسی کنونی میطلبد که این نقش را با جدیت بیشتری ایفا کنید.

حزب کمونیست کارگری با تمام قوا به استقبال سال تحصیلی جدید میروید و تمام قدرت تبلیغی و سازمانی خود در داخل و خارج کشور را در حمایت از مبارزه دانشجویان، دانش آموزان و معلمان و برای گسترش و سازماندهی این اعتراضات به کار میگیرد. امسال سال متحد و متشکل شدن صف هرچه گسترده تری از دانشجویان و دانش آموزان و معلمان تحت پرچم حزب و برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری آزادی و برابری است.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۴ سپتامبر ۱۴۰۱، ۲۰ شهریور ۱۳۸۷

سراسری قابل تحقق است.

۱۳ مهر امسال فرصتی است که معلمان در سراسر کشور به میدان بیایند و با قدرت برای تحقق مطالبات بحق خود دور جدیدی از مبارزه را شروع کنند. اعتصابات و تجمعات قدرتمند معلمان در سالهای گذشته نقش مهمی در ارتقای مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی و رادیکال شدن مبارزه آزادیخواهانه مردم داشته است. حزب کمونیست کارگری از اعتراض و خواست های بحق معلمان قاطعانه دفاع میکند و تمامی کارگران، دانشجویان و دانش آموزان را فرا می خواند با شرکت در اعتراضات معلمان از خواسته های آنان حمایت کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران ۲۱ شهریور ۱۳۸۷، ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۸

فرا میرسد و روزی است که میلیونها دانش آموز و دانشجو و معلم و استاد بواسطه سال تحصیلی جدید مجددا در مدارس و دانشگاه های سراسر کشور دور هم جمع میشوند. این فرصتی فراهم می آورد تا مبارزه برای خواسته های بلافصل رفاهی و سیاسی در مدارس و دانشگاه ها و همینطور مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را گسترش داد.

حزب کمونیست کارگری همه دانشجویان و دانش آموزان و همه معلمان را فرامیخواند تا با فرارسیدن اول مهر برای گسترش اعتراضات خود علیه جمهوری اسلامی آماده شوند. موضوعات بسیاری هست که باید به نیروی اتحاد و مبارزه حل و فصل شود، از مطالبات رفاهی و صنفی معلمان که بی جواب مانده، تا آزادی فوری معلمان در بند و در معرض اعدام، از مطالبات گوناگون صنفی و سیاسی دانشجویان تا مقابله با دستگیری دانشجویان و لغو احکام سنگین زندان و وثیقه آنها و لغو احکام و انحلال کمیته های انضباطی و تا بسیاری مطالبات و خواست های دیگر که موضوع کشاکش با رژیم و ایجاد اش در دانشگاه و مدرسه بوده است. و

اعتراضات معلمان آغاز می شود

اعتراض کرده اند و جمهوری اسلامی هر بار جواب خواسته های بر حق آنان را با تهدید، زندان و اخراج داده است. رژیمی که سالیانه میلیاردها دلار خرج حوزه های علمیه، اشاعه خرافات و لغت و لیس خودی ها میکند، از تامین ابتدائی ترین نیازهای معلمان خودداری میکند.

لغو احکام صادره علیه معلمان و لغو حکم اعدام فرزند کمانگر و آزادی او، افزایش حقوقها برای يك زندگی انسانی، حل مشکل مسکن و استخدام رسمی معلمان حق التدریس، از جمله خواسته های مهم معلمان سراسر کشور است که تنها با اعتراضات متحدانه و

اول مهر و سال تحصیلی جدید فرا میرسد. این در شرایطی است که بحران جمهوری اسلامی عمیقتر و همه جانبه تر از هر زمان دیگر بر جامعه ایران سایه انداخته است. زنگ شروع مدارس باید زنگ آغاز اعتراضات پر قدرت علیه جمهوری اسلامی و اوضاع نکبت بار کنونی باشد. فقر و فلاکت و گرانی و بیکاری، فلج اقتصادی و اداری جمهوری اسلامی، جامعه ایران را در هم میکوبد. جمهوری اسلامی در اوج کشاکش با آمریکا و متحدینش بسر میبرد و تحریم اقتصادی و تهدید نظامی ناشی از این جنگ قدرت، زندگی مردم ایران را سخت تر و مخاطره آمیزتر از هر زمان کرده است. جمهوری اسلامی درگیر نزاع درونی و در تقلا برای بقاء، با هر وسیله ای که در اختیار دارد از اعدام و سنگسار تا حمله به دانشجویان و کارگران و فعالین سیاسی تا هجوم هر روزه به زنان و جوانان در خیابانها، میکوشد تا مگر اوضاع را تحت کنترل نگه دارد. اما مردم ایران حکم به رفتن جمهوری اسلامی داده اند و هرکسی میداند مردم در کمین اند تا شر رژیم اسلامی را کم کنند. اول مهر در چنین شرایطی



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

کارگر کمونیست

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران

درباره مسائل جنبش کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

Email: kazem.nikkhah@googlemail.com

هیئت تحریریه

ناصر اصغری

nasser_asgary@yahoo.com

شها دانشفار

shahla_daneshfar@yahoo.com

یاشار سهندی

y_sahandi@yahoo.com

حسن صالحی

hasan_salehi2001@yahoo.com

Tel: 0046 739 318 404

Fax: 0046 864 897 16

markazi.wpi@gmail.com

دفتر

مرکزی

حزب

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوما به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست.



۱۵ مهر روز جهانی معلم روز اعتراض به حکم اعدام معلم زندانی

فرزاد کمانگر و آزادی بدون قید و شرط او از زندان

اتحادیه ها و ...

از صفحه ۱

کندی گرائیدن رشد در این صنایع، صنایع دیگری جوانه زدند و سرمایه گذاری در آنها چندین برابر افزایش یافت. بطور مشخص صنایعی چون ارتباطات، ماشین سازی، نفت و صنایع شیمیائی و مهمتر از همه برق. صنایع نامبرده بالا، صنایع و رشته های موضوع انقلاب صنعتی دوم بودند. خاصیت این صنایع تازه، قبل از هر چیزی در پیچیدگی آنها بود. "انقلاب صنعتی دوم" صرفاً یک اسم نبود. در شیوه پروسه تولید نیز انقلابی ایجاد کرد. اینجا شرح و مقایسه همه جانبه دو انقلاب صنعتی اول و دوم امکان پذیر و مد نظر نیست. اما گفتن چند جمله برای درک بهتر بحث امروز ما و اینکه در این دو دوره شیوه روبرو شدن کار و سرمایه نیز متفاوت بود، ضروری است.

مهمترین نکته شاید این باشد که تکیه صنایع موضوع انقلاب صنعتی اول بر "اختراعات" بود. اما پروسه تولید در دوره انقلاب صنعتی دوم، تحقیق و آزمایش در آزمایشگاههای حرفه ای و مدرن بود. همین پیچیدگی احتیاج به سرمایه ای به مراتب بیشتر داشت. در نتیجه چنین صنایعی در انحصار تعداد بسیار محدودی از شرکت ها (کتوراسیونها) قرار می گرفتند. چنین طرح های پیچیده و پرهزینه ای احتیاج مبرمی به ثبات دارند؛ و این ثبات بدون به در کنترل در آوردن نیروی کار امکان پذیر نیست. اگر سرمایه داران دوره انقلاب صنعتی اول هر روزه با کارگران خود در جنگ و گریز بودند و با اخراج فله ای کارگران خود روز بعد همان اندازه کارگر بدون حتی یک روز آموزش استخدام می کردند، و یا بدون در نظر گرفتن عواقب زندگی کارگران و نیروی کار فعال در جامعه، وضعیتی چون وضعیت طبقه کارگر انگلیس را با کمک نمایندگانشان در دولت بر جامعه سوار و تحمیل می کردند، در دوره انقلاب صنعتی دوم، با از دست دادن کارگزارانش (چه به خاطر ترک

خود را در دولت برای پیشبرد طرح های خود سفت کردند.

واکنش دولت

با مرور جنبش کارگری آمریکا، بخصوص در قرن ۱۹، با یک دنیا اعتصاب و جنگ و گریز بین کارگران و سرمایه داران روبرو می شویم. این وضعیت جنبش کارگری آمریکا را هر روز رادیکالتر می کرد. طبقه حاکمه متوجه این نکته شده بود که این رادیکالیسم بقاء سیستم سرمایه داری آمریکا را به چالش می طلبد. اندرو کارنگی (Andrew Carnegie) که بعد از راکفلر ثروتمندترین فردی است که تاریخ مدون بخود دیده است، در اعتراض به رابطه کارگر و سرمایه دار در آمریکا می گوید که وضعیتی به شدت غیرقابل اعطاف که حاصل بی اعتمادی بین طرفین است، فقط دره بین این دو را عمیق تر کرده است. واکنش دولت آمریکا، که

اکنون سیاستمداران متکی به زور سرنیزه جای خود را به لیبرالهایی داده بودند که قبلاً در کارخانه های خود طرحهای موفقی را به اجرا گذاشته بودند، راه آمدن و در واقع "اهلی کردن" جنبشی بود که داشت هست و نیستش را بر باد می داد. جنگ اصلی بین کارگران و سرمایه داران بر سر برسمیت شناخته شدن تشکلهای کارگری بود. اولین اقدام دولت آمریکا، قانونی کردن تشکلهای کارگری و وضع قوانین و مقرراتی بود که در چهارچوب آن بشود کارگران را بدون سرکوب پلیسی کنترل کرد.

در سال ۱۹۳۵، مجلس نمایندگان آمریکا (Congress) قانونی را به نام قانون وگنر (Wagner Act) به تصویب رساند که در آن به کارگران اجازه قانونی بستن قراردادهای دسته جمعی داده می شد. این قانون البته باید توسط پروسه ای که دولت مرکزی آن را تنظیم کرده بود به پیش برده می شد. همزمان با این قانون، "کمیته ملی روابط کار (National Labor Relations Board) نیز ایجاد شد که "روابط منصفانه کاری"

(Fair Labor practices) را به اجرا بگذارد. قانون وگنر سه قید همراه داشت که علاوه بر زیر سؤال بردن استقلال طبقاتی کارگران، گرایش چپ را نیز تا حدودی حاشیه ای کرد. این سه قید عبارتند از: ۱) فقط یک اتحادیه و آن هم اتحادیه ای که حداکثر عضو را دارا باشد حق نمایندگی کارگران را دارد. ۲) کسر کردن خودبخودی حق عضویت در اتحادیه از دستمزد کارگران توسط مدیریت و ۳) عضو شدن اجباری کارگران در اتحادیه موجود. گرچه قوانین و توازن قوای بعدی بین کارگران و سرمایه داران در آمریکا، سازمان دادن حتی چنین تشکلهائی را هم سخت کرده است، اما در زمان تصویب قانون فوق، فعالین کارگری چپ را به شدت در موضعی ضعیف قرار داد.

چگونه این اتحادیه ها ایجاد شدند؟

اما اتحادیه های کارگری بعد از تصویب قانون وگنر به معنای واقعی کلمه اتحادیه های زرد نبودند. اتحادیه هائی نبودند که دولت و یا شرکتهای برای کارگران خود ایجاد کرده و یا سیاستهای آنها را دیکته می کردند. نگاه لیبرالی مدیریت صنایع دور تازه، در تقابل با نگاه سرکوبگرانه و الیگارشی مدیران و سرمایه داران دوره قبل، به رابطه کارگر و کارفرما و تلاش مداوم برای ایجاد ثبات در کارخانه، آنها را به فکر کردن به راه حل های اساسی سوق داد. بالاتر به نقش کمپانی های تولید لوازم برقی مثل GE و Westinghouse اشاره کردم. امروزه اتحادیه های کارگری با مستقل بودن از کارفرما و شرکتهای شناخته شده اند. با افزایش دستمزد، سابقه (seniority)، چانه زدن بر سر مرخصی سالانه، مزایای شغلی و بیمه ها و غیره شناخته شده اند. با دقیق شدن در تاریخ GE و وستینگ هوس، متوجه می شویم که همه اینها و حتی بسیار بیشتر، مزایائی بودند که مدیریت این شرکتهای کارگران خود عرضه کردند. اینها را به کارگران عرضه کردند یا از

کارگران قبول کردند که کارگران از تصرف قدرت سیاسی و رادیکالیسم کارگری فاصله بگیرند. صنعت جدید متشکل در کنوپورتیسم مدرن در واقع به مسائل و معضلاتی که کارگران را به اعتراض وامی داشت و به آغوش رادیکالیسم و سوسیالیسم می راند، عکس العمل نشان داد. مغزهای متفکر این شرکتهای در اینکه وضعیت پیش رو و سیستم پارلمانی موجود قابلیت و توان رودر روی و جوابگویی به این معضلات را داشته باشد، تردید داشتند. همین متفکرین بارها چه در آمریکا و چه در اروپا از پارلمانها خواهان قانونی کردن انجمنها و اتحادیه ها شدند. همچنین شیوه هایی برای نظردهی کارگران خود به وجود آوردند تا بلکه بتوانند ریشه برخاستن تضادها و کشمکشها را ارزیابی کنند و عکس العمل نشان بدهند. تمام این شیوه ها در عین حال یک انقلاب در شیوه برخورد به کارگران، نسبت به دوره های قبل از خود بود. یکی از خصوصیات منحصر به فرد سیاست های کارگری شرکت های جدید در سال های ۱۹۲۰، ایجاد "شوراهای همکاری کار (Works Councils) و "اتحادیه های شرکت (Company Unions)" بود. اینها نهادهایی بودند که از دل "کمیته های چانه زنی (Bargaining Committee)" جهانی اول توسط "هیأت سراسری کارگری دوران جنگ National War Labor Board" درست شده بودند و توسط مدیریت نیز حمایت می شدند بیرون آمده بودند. این مترسک ها همانند شوراهای اسلامی کار کارخانجات در ایران امروز قرار بود خیرچین مدیریت باشند. و بقول یکی از تاریخ نگاران، نهادهایی بودند که قبل از اینکه غرولند کارگران به نقطه جوشی برسند، نارضایتی کارگران را به مدیریت خبر می دادند. همچنین قرار بود سیاست های شرکت مربوطه را بین کارگران جا بیاندازند.

اتحادیه ها و ...

از صفحه ۳

آنچه که شرکت های تازه به دوران رسیده و متفکرانشان مورد توجه قرار دادند این بود که چنین نهادهائی نه تنها باسسه ای بلکه مورد سوء ظن دائم کارگران نیز هستند. از نظر این متفکرین، شرکت های که این نهادها را ایجاد کرده بودند نسبت به خلق کردن رهبران و معتمدین کارگری کم توجهی می کردند. یکی از مشاورین اوون یانگ (Owen Young)، از اصلی ترین رؤسای هیأت مدیره شرکت جنرال الکتریک، به نام آرترون براونل (Atherton Brownell)، به او می گوید که جنرال الکتریک با اینکه مزایای زیادی را عرضه کرده و مطالبات زیادی از کارگران را برآورده کرده است، اما فرصت آفریدن رهبرانی را که امکان مقابله با عناصر رادیکال جنبش کارگری را داشته باشند را از دست می دهد. این رهبران باید کارگران را نه بعنوان توده ای از آدمها، بلکه بعنوان جمعی متشکل دور خود داشته باشند. از نظر او مدیریت باید با چنین رهبرانی بر سر مطالبات کارگران چانه بزنند. او می گوید که هر چه سطح زندگی کارگران را بالا ببریم، در آینده ای نه چندان دور باز با کارگرانی با توقع بالاتر مواجه خواهیم شد. او در واقع دارد به یکی از موفقترین رؤسای یکی از بزرگترین و موفقترین کمپانی ها می گوید که باید به فکر ایجاد اتحادیه های کارگری باشد.

یک نکته دیگر در این بین شایان ذکر است که متوجه شویم چگونه دگرذیسی در اتحادیه های کارگری رادیکال به وقوع می پیوست. در جنبش کارگری آمریکا، فدراسیون کار آمریکا همیشه نماینده راست ترین و محافظه کارترین بخش متشکل طبقه کارگر بوده است. ساموئل گامپرز (Samuel Gompers) از اصلی ترین رهبران فدراسیون کار آمریکا (AFL) در باره سوسیالیسم می گوید: "جنایت صنعتی که اتحادیه های کارگری

آمریکا با تمام قوا بر علیه آن خواهند ایستاد!" (۲) جدا از اظهارات این چنینی، کارگران حتی برای مبارزه بر سر پیش پا افتاده ترین مطالبه مشکلات زیادی با این نهاد داشته و دارند. در برابر این نهاد راست، فعالین کارگری، شوالیه های کار و بعدها IWW را سازمان دادند. بعدها با پیشنهاد سناتوری و همکاری متفکرین صنایع جدید، "کنگره تشکلات صنعتی (Congress of Industrial Organization (CIO)) را سازمان دادند. فعالین گرایش چپ که هیچوقت نتوانستند حتی همان همزیستی ساده با فدراسیون کار آمریکا را داشته باشند، اکنون فعالین اصلی CIO شده بودند. اتفاقاً CIO ابتدا از تجمع چندین اتحادیه چپ تر و ناراضی عضو AFL تشکیل شد. اما زیر فشار گرایش راست و قوانینی چون قانون وگنر، بمرور زمان CIO و AFL به هم نزدیک شدند و فعالین گرایش چپ یا تماماً به گرایش راست تمکین کردند و یا هم به معنای واقعی کلمه از تشکلات کارگری اخراج شدند.

اما فعالین گرایش چپ تر در اتحادیه ها، که به نوعی به گرایش راست تمکین کرده بودند، به مرور زمان از طرف توده کارگران نیز مورد بی اعتنائی قرار گرفتند. از یک طرف قانون وگنر فقط به یک اتحادیه اجازه فعالیت و نمایندگی کردن کارگران را می داد، که تماماً دست فعالین گرایش چپ را در حنا گذاشت. از طرف دیگر اتحادیه های صنعتی با همکاری و همفکری متفکرین و مشاورین صنایع جدید و با رهبری رهبران و معتمدین گرایش راست در بین کارگران ایجاد می شدند. اما مهمتر از همه همین صنایع به بخش اعظم مطالبات کارگران جامعه عمل پوشانده بودند. گرایش چپ که تلاش اصلی آن متشکل کردن کارگران برای بهبود وضعیت رفاهی آنها بود، اکنون خود را با این واقعیت روبرو می دیدند که

آنچه را که سالها برایش مبارزه می کردند، اکنون جامعه عمل پوشیده است. کارگران اجازه تشکیل اتحادیه های خود را داشتند و اکثر مطالبات اقتصادی آنها توسط مدیریت جواب مثبت گرفته بودند. انقلاب و سوسیالیسم در دستور کار این گرایش نبود. مسائلی چون بیشتر از یک تشکلات حق فعالیت در محیط کار داشته باشد و غیره، مسئله اصلی توده کارگران نبود. در واقع فعالین گرایش چپ تر جنبش کارگری خلع سلاح شده بودند.

صدور سیاست اتحادیه گرائی امروزی

در خصوص صنایع جدید و شرکتهای مدرن اشاره به یک نکته دیگر حائز اهمیت است. همچنانکه بالاتر اشاره کردم، صنایع جدید بنابه تمرکز سرمایه در آنها، در انحصار تعداد معدودی شرکت ها قرار گرفتند. همین شرکت ها از اولین شرکتهای آمریکائی بودند که شروع به سرمایه گذاری و بازاریابی در خارج از مرزهای آمریکا و بخصوص در اروپا نیز کردند. این شرکتهای همراه با سرمایه گذاری، شیوه مدیریت تازه و برخورد با کارگران و متشکل شدن آن را نیز با خود به کشورهای دیگر صادر کردند.

اشاره به این نکته مهم است، چرا که سیاست AFL-CIO که حاصل پروسه طی شده بالاست، در شصت هفتاد سال گذشته سیاست غالب بر نهادهای کارگری در دیگر کشورهای غربی و همچنین سیاست غالب بر CFTU و اکنون نیز ITUC بوده است.

رادیکالیسم در جنبش کارگری آمریکا

با این وضعیت شاید خواننده ای خود را با این سؤال روبرو ببیند که مبارزه رادیکال طبقه کارگر بخصوص در آمریکا در چه اشکالی به پیش رفته است. در تقابل با سیاستهای راست و رفرمیستی جنبش کارگری آمریکا، علاوه بر همزیستی دو گرایش راست و چپ در بسیاری از اتحادیه ها و در دوران

مختلف، ما همچنین با دو فرم دیگر از نهادهای کارگری نیز روبرو هستیم. "شوالیه های کار (Knights of Labor)" "کارگران صنعتی جهان (Industrial Workers of the World (IWW)). نکته نیز اضافه شود که "فدراسیون کار آمریکا" در اوآن تشکیل، خود را یک جریان ضد ایده های سوسیالیستی تعریف نکرده بود. اتفاقاً جریانی بود که در امتداد شوالیه های کار تشکیل شد و بر اساس ایده های ضد نظام موجود شکل گرفت.

از سال ۱۸۶۹ که سال تأسیس "شوالیه ها" بود تا تأسیس "فدراسیون کار آمریکا" در سال ۱۸۸۶، "شوالیه ها" صدها اعتراض میلناتن سازمان دادند IWW. هم از سال تأسیس ۱۹۰۵ تا تقریباً ۱۹۱۴ که سالهای موفق آن بود، صدها اعتراض موفق و میلناتن را سازمان داد. در همین سالها این نهاد کارگری، هم مورد تعرض "فدراسیون کار آمریکا" و هم سرکوبگریهای پلیس قرار گرفت. در ادامه این سنت، اعتراضات مهمی سازمان داده شد که فعالین کارگری زیادی در پوشش اتحادیه های کارگری CIO و حتی AFL سازمان دادند و مورد سرکوب پلیس و سرزنش اتحادیه های مادر قرار گرفتند. افول دو نهاد یاد شده را باید در متن دیگری و در چشم اندازی که آنها برای آینده جنبش کارگری در نظر داشتند، جستجو کرد.

ختم کلام

اتحادیه های کارگری هر چه بودند و گرایشات مختلف در آن با چه مکانیزمهایی و چند من چریش کنار هم می ماندند و همزیستی می کردند، مؤلفه ای است که به تاریخ پیوسته است. اما انقلاب صنعتی دوم تحولی بنیادی را در اتحادیه گرائی بوجود آورد. با این تغییر اساسی در شیوه تولید و روابط اجتماعی، اتحادیه ها تشکلات هائی نماندند که کارگران آنها را ایجاد می کردند و بعد ثبت آنها را به حکومت

تحمل می کردند. اتفاقاً اتحادیه های بعد از انقلاب صنعتی اتحادیه هائی بودند که دولت چهارچوب آن را تعیین می کرد و با کمک گرایش سوسیال دمکرات درون جنبش کارگری کورس (مسیر) اتحادیه گرائی را برای همیشه عوض کردند. آن زمان چنین سیاستی به صرفه بود. امروزه آنچه را که شاهدش هستیم در دستور روز گذاشتن تخریب و از بین بردن همین اتحادیه ها، توسط خود بورژوازی هستیم. میلتنون فریدمن می گوید که "وظیفه دولت محافظت از منافع شخصی از دشمن خارجی و داخلی است. تنظیم رابطه بین آدم ها را به بازار بسپارد." طبقه کارگر این بار باید ایجاد تشکلات هائی را در دستور خود بگذارد که علاوه بر مبارزه بر سر مطالبات رفاهی روز، به فکر برانداختن نظام سرمایه داری هم باشد. همزیستی و "قرارداد اجتماعی" در دنیای واقعی پوچ هستند. کارگران راه درازی را پیموده اند؛ صد سال کلاه گشاد گذاشتن سر کارگران دیگر بس است.

توضیحات:

۱) Fair Labor Practices و Unfair Labor Practices و ترمهائی قانونی هستند که اتحادیه ها و کارفرمایان در رابطه با هم، دیگر، بخصوص در مذاکرات بر سر بستن قراردادهای دسته جمعی از آن استفاده می کنند تا طرف دیگر را متوجه موارد قانونی بکنند.

۲) An industrial crime, against which the trade unions of America will contend to the end

ضمیمه:

"تشکل مستقل کارگری" مسئله استقلال طبقاتی و همچنین دست درازی بورژوازی به آزادی و استقلال تشکل کارگران چنان با کل ایده این نوشته در هم تنیده است که هنگام نوشتن این نوشته لازم دیدم چند نکته هم بعنوان ضمیمه در باره "تشکل مستقل کارگری" بگویم.

"تشکل مستقل کارگری" نیز

کارگران و تشکل ...

هم این است که به طور واقعی طبقه کارگر در ایران از حق تشکل محروم است و این یک معضل طبقه کارگر است و ما همواره گفته ایم که یک مسئله کلیدی مسئله تشکل است. یک تشکل وسیع توده ای کارگری. این در واقع راه برون رفت کارگر از این وضعیت کنونی است که هر روز و هر روز کارگران دارند علیه آن اعتراض میکنند. تاکید کرده ایم که این حیاتی است که کارگر در این جهت گام اساسی بردارد. شما این تصویر را چگونه توضیح میدهید و کلا مشکلات سازمانیابی کارگران را چگونه میبینید؟

از صفحه ۱

کاظم نیکخواه: همانطور که شما گفتید مسئله تشکل و بحث بر سر آن جنب و جوش برای آن در کارگران وسیع است و این را در هر جایی که حرکت و مبارزه ای صورت میگیرد شاهدیم. بطور کلی باید بگویم که تشکل، خصوصیات آن و اشکال و سطوح آن، به مبارزه منوط و مشروط است. همیشه از قدیم میگفتیم تشکل به اصطلاح شکل است و مبارزه و خواستها و اهداف، محتوای آنست. عبارت دیگر رابطه تشکل با خود مبارزه تعیین میشود و یا تشکل، شکل مبارزه و اهدافش محتوای آن است. اینکه کارگر در عرصه تشکل چقدر جلو رفته باشد

اتحادیه ها و ...

دچار سرنوشتی مانند "اتحادیه" شده است. ریشه این مقوله و ترمینولوژی هر چه باشد، امروز بعنوان ابزاری برای مخالفت با دخالت کمونیست ها در مبارزه کارگران بکار گرفته می شود. شاید یادآوری این نکته بی مناسبت نباشد که در کشورهای که نهادهای موجود کارگری دست ساز دولت بوده اند، معمولا از این ترم برای تفکیک تشکلی که فعالین کارگری برای ایجاد آن مبارزه می کنند، استفاده می شود و یا تاریخا استفاده شده است. مثلا تلاش برای تشکل پذیری در شوروی و چین، در تقابل با مترسکهای دست ساز دولت، از ترم "مستقل" استفاده می شد. اما همچنانکه اشاره کردم، این ترم اکنون دیگر ابزاری شده برای مخالفت با نفوذ و دخالت کمونیستها در تشکلهای کارگری! ما تاکنون درباره این مقوله در همین نشریه چندین بار اظهار نظر کرده ایم. بطور مشخص طرح جورج لاج در کتاب "پیشگامان دموکراسی: کارگران در کشورهای روبه توسعه" را در نشریه شماره ۴ "کارگر کمونیست" به بحث گذاشته ایم. این ترم اکنون دیگر شناخته شده است. اما لازم است که باز هم به جنبه های باز نشده این ترمینولوژی پرداخته

از صفحه ۴

شود. در این بخش با اشاره به چند نمونه تاریخی، می خواهیم بار دیگر این ترم را زیر نورافکن قرار بدهم. ۱- در روسیه پیش از انقلاب اکتبر، یکی از رؤسای پلیس تزار به نام سرگئی زوباتف (Sergei Zubatov) که در جوانی و قبل از دستگیری اش یک ناردونیک بود، بعد از شروع همکاری با پلیس مخفی روسیه، سریعا در این دم و دستگاه رشد می کند و در مدت کوتاهی به یکی از طراحان اصلی نفوذ در محافل کارگری تبدیل می شود. آنچه که زوباتف را در بحث مشخص امروز ما مهم می کند این است که او در بین کارگران با نفوذ در بین فعالین و معتمدین کارگری و بخصوص در بلاروس و شهر صنعتی مینسک، برای مقابله با سوسیال دموکراسی و تشکل های تحت نفوذ محافل سوسیال دموکرات کارگری روسیه، شروع به ایجاد نهادهای کارگری طرفدار دولت تزار کرد که در بین چپها به نام "سوسیالیسم پلیسی" و یا "تشکل های زوباتویستی" معروف شدند. اما خود ایشان و گردانندگان این نهادها به نهاد خود می گفتند "تشکل مستقل کارگری".

چقدر به طور واقعی قدم برداشته باشد و چقدر به طور واقعی کارگران با هم یک ارتباطی برقرار کرده باشند اساسا بستگی دارد به اینکه اولاً چقدر کارگران درگیر هستند و ثانیاً در مورد چه مسائلی درگیر مبارزه هستند و چه اهدافی را مقابل خودشان را میگذارند و میخواهند به آن برسند. وقتی از این زاویه به کارگران ایران نگاه میکنیم میبینیم که کارگران ایران در دو سطح متفاوت دارند مبارزه میکنند: یکی اینکه یک تهاجم وسیع و بیرحمانه اقتصادی از جانب سرمایه داران به کارگران دارد صورت میگیرد. کارگران در دو سطح متفاوت دارند مبارزه میکنند: یکی اینکه یک تهاجم وسیع و بیرحمانه اقتصادی از جانب سرمایه داران به کارگران دارد صورت میگیرد. کارگران در دو سطح متفاوت دارند مبارزه میکنند: یکی اینکه یک تهاجم وسیع و بیرحمانه اقتصادی از جانب سرمایه داران به کارگران دارد صورت میگیرد. کارگران در دو سطح متفاوت دارند مبارزه میکنند: یکی اینکه یک تهاجم وسیع و بیرحمانه اقتصادی از جانب سرمایه داران به کارگران دارد صورت میگیرد.

۲- برای نمونه دوم، باز هم سراغ روسیه می رویم. در آخرین روزهای حکومت شوروی که اعتصابات کارگری زیادی سازمان داده شدند، در تقابل با اتحادیه های کارگری دست نشانده دولت، تشکل های دیگری برای هدایت و رهبری اعتصابات کارگری ایجاد شدند. گرچه این تشکل ها بدون دخالت فیزیکی دولت و نیروهای لیبرال طرفدار صندوق بین المللی پول و بانک جهانی ایجاد شده بودند، اما علنا خود را در کمپ اپوزیسیون لیبرال می دانستند. نه تنها در این کمپ بودند، بلکه با امکانات نهادهای رسمی کارگری غرب و بخصوص "فدراسیون کار آمریکا" پا گرفتند و هدایت می شدند. این نهادها هم در تقابل با اتحادیه های دولتی به خودشان می گفتند "تشکل مستقل کارگری"؛ اما اتحادیه های نسبتا کوچکتر که از لحاظ امکانات مالی امکان رقابت با اتحادیه ها و دیگر نهادهای دست ساز دولت و همچنین "تشکلهای مستقل کارگری" را نداشتند، ترجیح می دادند که به خودشان بگویند "اتحادیه آزاد".

۳- در آمریکا، آن اتحادیه های زردی (اتحادیه های شرکت) را که کارفرماها برای کارگران - قبل از

محتاج باشد، و با چنگ و دندان تلاش و مبارزه کند که بتواند حتی فقط نان شبش را (نان به معنای واقعی و ساده کلمه) تهیه کنند. میخواهم بگویم که تهاجمی بسیار بیرحمانه و وحشیانه به کارگران در جریان است که از جانب کل طبقه سرمایه دار به کارگران دارد صورت میگیرد. و کارگر مجبور است از خودش دفاع کند. کارگر مجبور است زندگی کند. کارگر مجبور است برای زنده ماندن و برای بقا برای حفظ سطحی حداقل از زندگیش این تهاجم را هرروزه عقب بزند. مبارزه برای گرفتن دستمزدهای معوقه، مبارزه برای مقابله با اخراج، مبارزه برای بازگشت به سر کار، مبارزه برای مقابله با بازداشتها، و امثال

قانون و گتر. ایجاد می کردند، در واقع با قانون و گتر غیرقانونی اعلام شدند. اما اغلب این اتحادیه ها، از جمله اتحادیه ایجاد شده در شرکت CF&I بعد از قتل عام لادلو، تا سالها بعد از این قانون نیز تحت عنوان "تشکل مستقل کارگری" به حیات خود ادامه دادند.

۴- جنبش همبستگی "معرف همه در لهستان (Niezależny Samorządny Związek Zawodowy - Solidarność)" هم، که در تار و پود خود وابسته بود و در قدم بقدم آن توسط کلیسای کاتولیک و واتیکان و سازمان های جاسوسی آمریکا هدایت می شد، نام واقعی آن "اتحادیه کارگری مستقل خودگردان - همبستگی" است.

۵- در اوایل نیمه اول دهه ۵۰ قرن گذشته، دولت کانادا با همدستی کمپانی کشتی سازی و "کنگره کار و حرفه (Trade and Labor Congress)" فردی را به نام هال بنکس (Hal Banks)، یکی از سازمان دهندگان "اتحادیه بین المللی دریانوردان" (SIU) که قبلا ۲۷ بار به جرم ضرب و شتم کارگران متهم شده بود و یکبار هم یکی از کارگران را زیر مشت و لگد به قتل رسانده بود، از آمریکا وارد کردند تا "اتحادیه دریانوردان کانادا"

اینها کارگران را به درجات زیادی به یک مبارزه دفاعی میراند. در کنار اینها این هم واقعیتی است که خیل عظیمی از کارگران - بالای ده میلیون و بیشتر - بیکار هستند. و این رقابتی را برای اشتغال بین کارگران ایجاد میکند و در نتیجه کارگر مجبور است به شغلش بچسبد. نگران کارش باشد. در نتیجه میتوانند بیشتر به کارگر حمله کنند و فشار بیشتری شرایط بدتری را تحمیل کنند و دستمزد کمتری بدهند و همه اینها. این یک سطح از مبارزه است. یعنی مبارزه به اصطلاح با چنگ و دندان برای زندگی روزمره. از آن طرف این جامعه ای است سیاسی که

صفحه ۶

"(CSU) را، که یک اتحادیه رادیکال و کمونیست بود، از بین برد و اتحادیه "مستقلی" را برای کارگران سازمان بدهند. گرچه SIU نام "مستقل" را یدک نمی کشد، اما هدف وارد کردن هال بنکس که بعدا موجب افشاح سیاسی برای دولت و نهادهای رسمی کارگری آمریکای شمالی شد، دقیقا "ایجاد تشکل مستقل کارگری" معرفی شد!

نمونه های این چنینی زیادی را می شود معرفی کرد. اما گفتن یک نکته در این رابطه اهمیت دارد. فقط ضد کمونیست ها نیستند که می خواهند چنین القاء کنند که گویا تشکل های زیر نفوذ ایده های کمونیستی، تشکل های غیر مستقلی هستند؛ بلکه در بین چپها هم گاهی شاهدیم کسانی به دام این لفاظی ها می افتند. منتها ضد کمونیست ها آگاهانه چنین فرمولی را به کار می برند، اما کسانی که در کمپ چپ این لفاظی های را تکرار می کنند، در واقع منطق بورژوازی را پذیرفته اند و از سر احساس گناه و یا "تبرئه" خود به این دام می افتند. و گرنه هیچ اندازه تکرار "استقلال" تشکل کارگری، بدون استقلال طبقاتی تشکل کارگری، نهادی را مستقل نخواهد کرد.

کارگران و تشکل ...

از صفحه ۵

مسئله‌اش، مساله همه مردم مسئله سرنگونی جمهوری اسلامی است. کارگر هر روز دارد لمس میکند که برای حتی همان نان شبش و برای دستمزدش برای اینکه بتواند بچمهایش را به مدرسه بفرستد برای اینکه بتواند ابتدایی‌ترین استاندارد زندگی را برای خودش حفظ کند برای اینکه مسکن داشته باشد در خیابان نخواهد برای اینها باید جمهوری اسلامی را سرنگون کند. باید در نتیجه در سیاست درگیر شود. حتی موقعی که میخواهد دستمزدش را از کارفرمای بخش خصوصی بگیرد باید با پاسدار و استاندار و فرماندار و حراست و شورای اسلامی و همه این جک و جانورهای جمهوری اسلامی مقابله کند. در نتیجه مبارزه کارگر بلافاصله سیاسی است. یک فعال و رهبر کارگری و کارگران به طور کلی و توده کارگران به طور میلیونی مجبورند مدام به این فکر کنند که چگونه با حکومت مقابله کنند، چگونه با تهدید و سرکوب مقابله کنند، چگونه از شر جمهوری اسلامی و کل این نظام خلاص شوند.

این وضعیت و این خصوصیات مبارزه تاثیر میگذارد که جنب و جوش برای تشکل هم در میان کارگران خصوصیات ویژه ای داشته باشد. باعث میشود ما عملاً شاهد دو نوع تشکل باشیم. یکی تشکیل مجامع عمومی است که هر جا کارگران مبارزه میکنند بلافاصله میروند مجمع عمومی‌شان را تشکیل میدهند. که نمونه‌هایی را شما گفتید، کارگران هفت تپه کارگران کیان تایر، کارگران نساجی کردستان و کارگران بخشهای مختلف. این یک پیشروی مهم در جنبش کارگری از زاویه تشکل است. رفته رفته دارد سنت تشکیل مجامع عمومی و اتکا به مجمع عمومی جا می افتد و جای خود را باز میکند. میشود نمونه‌های زیادی را گفت که هر روز اعتصاب و مبارزاتی صورت

میگیرد بلافاصله کارگران مجمع عمومی‌شان را تشکیل میدهند و مجمع عمومی به سنتی در میان کارگران اعتصابی دارد تبدیل میشود. البته این را هم تاکید کنم که این حرکت خودبخودی نیست. این رفتن کارگران به طرف تشکیل مجامع عمومی یک حرکت خودجوش و اتفاقی نیست. در واقع مستقیم به جنبش کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری مربوط است. این حزب و این خط است که مدام بر جایگاه و اهمیت مجمع عمومی تاکید گذاشته است. الان طوری است که کارگران حتی آنجا که تشکلهایی از نوع دیگر مثل سندیکا هم میخواهند تشکیل دهند به مجمع عمومی و اتکا تشکل خود به مجمع عمومی توجه دارند. یک نمونه بارز در این مورد کارگران نیشکر هفت تپه هستند که علناً اعلام کردند که هر پنجشنبه مجمع عمومی‌شان را تشکیل میدهند و بعد هم سندیکایشان را اعلام کردند و گفتند که آن هم متکی بر مجمع عمومی کارگران خواهد بود. (متأسفانه این تحرك و پیشروی اعلام شده کارگران هفت تپه هنوز از نظر عملی زیاد پیش نرفته و دلیل اصلیش هم فکر میکنم فشار حکومت و مساله هرروزه مبارزه برای دستمزدهای پرداخت نشده است). بهرحال بنظر من جنبش مجمع عمومی گرچه هنوز سراسری نشده، اما دارد یک افق روشن و حیاتی‌ای را روبروی تشکل یابی کارگران باز میکند. باید امیدوار بود و تلاش کرد که این جهت گیری هرچه وسیعتر و توده‌ای تر و سراسری تر شود.

جنبه دیگر تشکل یابی یا تلاش برای متشکل شدن در میان کارگران جنبه سیاسی تری دارد. کارگران فقط درگیر مبارزه روزمره شان نیستند. بعبارت دقیقتر کارگر هرروز بیشتر این را متوجه میشود و لمس میکند که باید با کل رژیم و این حکومت در بیفتد. حتی برای

نان شبش باید با این حکومت مبارزه کند. نه فقط برای آینده اش بلکه برای همین امروز خود و خانواده اش باید علیه این حکومت و کل این نظام بجنگد. و این یک فضا و جهتگیری ای را دارد در میان کارگران بسمت تحزب ایجاد میکند. ما شاهد این هستیم که کارگران دارند میپیوندند به این حزب به حزب کمونیست کارگری. یعنی تشکلی که کارگر دارد برای اینکه از شر جمهوری اسلامی و کل این اوضاع خلاص شود. الان خود پیامهایی که به این حزب داده میشود و کارگرانی که زنگ میزنند و محافظی که ایجاد میشود حول کانال جدید همه اینها نشان میدهد که کارگران فقط درگیر مبارزه روزمرشان برای نان شب نیستند. بلکه مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، مبارزه برای خلاصی از سرمایه‌داری و ستم و فلاکت و فقر نیز یک مشغله بخش وسیع کارگران است. در نتیجه حزب، به عنوان حزبی که کل جامعه را میخواهد عوض کند و کارگر میباید در آن متشکل شود مشغله شمار زیادی از کارگران است.

بنابراین دو گرایش در جهت تشکل را در میان کارگران شاهدیم. یکی توجه کارگران به حزب و تحزب است که میشود امیدوار بود که هرچه بیشتر گسترش پیدا کند. و در عین حال تلاش برای تشکیل اتحادیه، سندیکا و متکی شدن به مجمع عمومی و امثال اینها. ما از یک طرف این جنبه مثبت را شاهد هستیم و از طرف دیگر این هم واقعیتی است که این فشار اقتصادی بر کارگران، درگیری برای نان شب، زندگی روزمره، برای داشتن مسکن و سرپناه، مساله بیکاری و نپرداختن دستمزدها و فقر و امثال اینها، برای حرکت کارگران بسمت تشکل محدودیت ایجاد میکند. جدا از سرکوب خود اینها مشغله برای کارگر ایجاد میکند که نتواند آنطوری که باید و آنطوری که انتظار میروند میلیونی به صف حزب پیوندند، میلیونی بسمت ایجاد تشکلهای خودش برود، فرض کنید مجامع عمومی‌شان را رویش کار کند و منظم در تمام کارخانه‌ها و محیطهای کار تشکیل بدهد، شوراهايش را تشکيل دهد. این تصویری است که میخواهم بگویم موازی دارد پیش میروند. در این دو سه ساله گذشته وقتی نگاه کنیم متوجه میشویم که یکی از چیزهایی که جلو آمده مسئله مجمع عمومی تشکل دادن در هر مبارزه‌ای است. این جلو آمدن است. چون ما در این ابعاد شاهد تشکیل مجمع عمومی نبودیم. الان کارگران کیان تایر همانطور که شما اشاره کردید ۲۷ نماینده را در مجمع عمومی شان انتخاب کرده اند که باید بروند اهداف و تصمیمات مجمع عمومی را عملی کنند و پیش ببرند و بیابند به مجمع عمومی گزارش دهند. اینها پیشرفت است برای جنبش کارگری از نظر تشکل.

شهلا دانشفر: شما تصویر درستی دادید از اوضاع. و به هر حال ما همیشه توضیح داده ایم برای برون رفت از این شرایط مسئله تشکل حیاتی است. تشکل در دو سطح: یکی تشکل توده‌ای ظرف اعتراض روزمره کارگران و یکی هم تشکل سیاسی کارگر که حزب، ظرف آن است. حتی برای پیشرفت و موفقیت در اولی هم حزب لازم و مهم است. بهرحال همانطور که شما گفتید این دارد پاسخ میگیرد ولی علی‌رغم اینکه شما میگویید تو دل یک مبارزه کارگر متشکل میشود و به جلو می‌آید. و علی‌رغم اینکه مبارزه الان هر روزه و هر روزه جریان دارد، علی‌رغم اینکه کارگر بالاخره در زندگی هرروزه‌اش میبیند راهی ندارد و تنها راهش خلاص شدن از این رژیم است ولی باز هنوز این معضل تماماً مقابل ماست مسئله تشکل. آیا توازن قوا اجازه نمیدهد؟ شما به یکسری مشکلات اشاره کردید. آیا لازم به آگاهی بیشتری هست؟ چه باید کرد و اینرا شتاب داد؟ مکانیزم سازماندهی چیست؟

کاظم نیکخواه: چند تا سوال در

این سوال شما بود که من سعی میکنم جواب دهم. میگویید الان در چه سطحی هستیم و انتظار بیشتری میروند و مانع چیست؟ این درست است. کارگران هنوز از نظر تشکل راه دازی دارند که باید بپیمایند. پیشرویهایی تاکنون نسبت به آن چه باید انجام شود محدود است. اگر بخواهم بگویم مانع چیست؟ مانع دو چیز است که هر دوی آنها به هم گره خورده: اولاً یک مانع آشکار و غیر قابل انکار جمهوری اسلامی به عنوان یک حکومت سرکوبگر است. و ثانیاً یک مانع جدی خود مساله تهاجم اقتصادی به کارگران است. حمله به کارگران، محروم کردن کارگران از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی، دستمزدهای زیر خط فقر، نپرداختن دستمزدها. بیکاری میلیونها نفری که رقابت برای اشتغال را بین کارگران دامن میزند. در نتیجه همه اینها کارگران مجبورند تماماً به گلران روزمرشان مشغول شوند. و این تاثیر زیادی میگذارد که حرکت برای تشکل سراسری و سیاسی تا حدی کند باشد. یا بافت و خیز زندگی و مبارزه رومره بالا و پایین برود. یک چیزهایی مطرح میشود که خیلی جلو است اما تثبیت نمیشود. مثل همان مورد کارگران هفت تپه که اشاره کردم مجمع عمومی شان را اعلام کردند، سندیکایشان را اعلام کردند و حتی رسماً به رژیم تحمیل کردند. اما هیچکدامش را هنوز نتوانسته‌اند در عمل پیاده کنند. این دیگر همه اش به سرکوب مربوط نیست. فقر و دوندگی برای نان شب تاثیر منفی‌ای در این زمینه میگذارد. ببینید من به رابطه مبارزه و تشکل اشاره کردم. الان ما تشکل سراسری توده‌ای نداریم. آن طرفش هم اینست که مبارزه توده‌ای سراسری هم نداریم. مثلاً ما تاکید داشتیم و مدام تبلیغ کردیم که در کنار دفاع از مبارزه برای دستمزدهای معوقه کارگران ناچارند و مجبورند و باید مبارزه کنند برای افزایش دستمزدها. ولی ما هنوز

کارگران و تشکل ...

شاهد يك مبارزه سراسری با شعار "دستمزدها باید ۴۰۰ درصد یا ۵۰۰ درصد افزایش پیدا کند" که تازه برسد به حتی خط فقر نیستیم.

شهلا دانشفر: شما می‌گویید مانع فشار اقتصادی است. این را دارید می‌گیرید به عنوان مانع. خب منتها در عین حال شاهد این هستیم که کارگر هر روز دارد برای پس زدن همان فشار اقتصادی مبارزه و اعتراض می‌کند. و در دل همین مبارزه کارگر دارد متشکل می‌شود.

کاظم نیکخواه: بله تاکیدم این بود که در کنار فضای اختناق و سرکوب، خود فشار اقتصادی هم يك مانع مهم است. ببینید این روشن است که کارگران به درجاتی متشکل هستند، متحد هستند و همین مبارزات و اعتصابات امروز کارگری دارد نشان میدهد که رهبران با تجربه‌ای در سطح رهبری جنبش کارگری وجود دارند. و درجه تشکل کارگران از آن چیزی که میشود دید بیشتر است. یعنی نشان میدهد که کارگران از آنچه در سطح مشاهده میشود و احساس میشود بسیار متشکل ترند. ولی بحث من سر این است که در عین حال خود این اجبار درگیر شدن به مبارزه برای نان شب و خواسته‌های روزمره، در عین حال باعث میشود که کارگر بخوبی نتواند دستاوردهایش در همین مبارزات را تثبیت کند، جلو تر برود، گسترش دهد و سراسری کند. شما می‌گویید این مبارزه چرا کارگران را متشکل نمیکند من می‌گویم فی الحال يك درجه متشکل کرده ولی قدمهای بعدی چیست؟ قدمهای بعدی کارگران برای تشکل برای مثال اینست که همین جنبش مجمع عمومی سراسری شود. مجامع عمومی در همه کارخانه‌ها منظم تشکل شوند و فقط به موقع و زمان اعتصاب محدود نباشند...

از صفحه ۶

شهلا دانشفر: .. خوب چرا این کار نمی‌شود؟ آیا این دلیلش عدم آگاهی است؟ آیا مانع ذهنی است؟ آیا گرایش‌های دیگری اینجا نقش دارد؟

کاظم: تا آنجا که به این مساله مربوط میشود آگاهی مسئله اساسی نیست. طبقه کارگر ایران بدرجات زیادی آگاه است. رهبران کارگری تا حد زیادی آگاه هستند. و این نقطه قوت جنبش کارگری در ایران است. بفرض همین مبارزه کارگران هفت‌تپه را که نگاه میکنید نشان میدهد که کارگران درست است که ۵ ماه دستمزدشان را نداده اند، زیر خط فقرند، زیر فشار هستند و دادشان درآمده، ولی کاملاً آگاه هستند و بسیار حساب شده مقابله میکنند با تاکتیکتها و توطئه های کارفرما فرماندار و حراست و غیره. می‌گویند شورای اسلامی نمی‌خواهیم، بلافاصله سندیکایشان را تشکیل میدهند، بلافاصله اعلام میکنند که سندیکایمان متکی به مجمع عمومی است. چون میدانند که اگر سندیکا متکی به مجمع عمومی نباشد يك چیز پوشالی و توخالی از کار درمی آید و به ضررشان تمام میشود. اگر بخواهیم مقایسه کنیم با سایر کشورها به طور متوسط سطح آگاهی کارگران در ایران از نظر سیاسی از خیلی از کشورها در دنیا بالاتر است. یکی از دلایلی هم وجود همین حزب کمونیست کارگری وجود همین تلویزیون است، وجود تجربه پشت سرگذاشتن انقلاب ۵۷ است و امثال اینها. می‌خواهم بگویم که مشکل اساسی در این مورد آگاهی به این مفهوم نیست. طبعاً اگر در مورد آگاهی کارگران هم صحبت کنیم طبعاً به کمبودهایی میرسیم که بحث خودش را دارد. ولی به طور عمومی کارگران در این زمینه خیلی جلو آمده‌اند.

شهلا دانشفر: آیا شما این فاکتور

را نمی‌بینید که آنقدر فشار مبارزه بر سر همین مسئله تهاجمات هر روزه که کارگر را درگیر اعتراض روزمره میکند که دو قدم جلوتر از مقابل خودش نمی‌گذارد و آنوقت اینجا مسئله تشکل مطرح میشود.

کاظم نیکخواه: دقیقاً بحث من هم همین بود. ببینید تشکل از مبارزه برمی‌خیزد ولی اینطور نیست که خود تشکل تأثیری روی مبارزه نداشته باشد. اگر کارگر کیان تأیر مجمع عمومی را تشکیل میدهد و کارگر هفت‌تپه می‌گوید که من هر هفته باید مجمع عمومی را تشکیل بدهم حتی نفس گفتنش نشان میدهد که کارگران از يك حرکت خودبه خودی جلوتر هستند و این طور نیست که منتظر شوند ببینند ملزومات مبارزه کی آنها را به چه نوع تشکلی میراند. میدانند که چه نوع تشکلی میخواهد. میدانند که حزب میخواهد. میدانند که مجمع عمومی مهم است. همه اینها را میشناسد و در نتیجه مانع اساساً و عموماً ندانم کاری یا عدم آگاهی در این زمینه‌ها نیست. مانع سرکوب است که کارگران مدام دارند می‌جنگند و آترا عقب می‌زنند. اما يك مانع مهم هم خود همین فشارهای کمر شکن اقتصادی است. و دقیقاً بحث من این است. کارگر تشخیص داده که تشکل برای پیشبرد مبارزه اش لازم و حیاتی است. در نتیجه در همان قدم اول حتی بر طبق همان اخباری که خودتان اول برنامه گفتید جزء یکی از خواسته‌های کارگران مساله حق تشکل است. اینطور نیست که کارگر فقط خواست دستمزد را مطرح میکند. مسئله تشکل را هم مطرح میکند مسئله انحلال شورای اسلامی را هم مطرح میکند. چون میدانند برای پیشبرد مبارزه اش به تشکل خودش نیاز دارد و در عین حال چون مبارزه دارد میکند می‌تواند این تشکلش را هم داشته باشد. يك سواتان این بود که چه کار

باید کرد و چطور میشود این مانع را کنار زد. به نظر من بحث بر سر این است که ما چقدر بتوانیم کارگران را قانع کنیم رهبران کارگری را و یا رهبران کارگری را بتوانند توده کارگر را قانع کنند که اولاً برای کنار زدن و برداشتن فشار روزمره از زندگیشان، برای تهیه نان شبشان، برای عقب زدن تهاجم سرمایه داران به دستمزدشان، به زندگیشان باید با تمام قوا تلاش کنند که متشکل شوند و تشکلهایشان را راه بیندازند. برای موفقیت مبارزات روزمره شان به به پا گذاشتن به عرصه سیاسی نیاز حیاتی دارند. و سراسری باید عمل کنند. دوم بخشی از کارگران که به دلایل مختلفی با این مشکلات روزمره مثل نپرداختن دستمزد و کار موقت و بیکاری و اخراج کمتر مواجه هستند را باید بتوانیم قانع کنیم که از مبارزات و خواسته‌های سایر بخشهای کارگران حمایت کنند. و این مشکلات قطعاً فرداً در همین ابعاد به زندگی آنها هم فشار خواهد آورد. آیا امروز کارگران بخشهای دیگری که با مشکل دستمزد معوقه مواجه نیستند میروند از مبارزه کارگران هفت‌تپه و کیان تأیر و نساجی کردستان که دارد تعطیل میشود، حمایت کنند؟ این سطح از مبارزه را ما شاهدش نیستیم بحث بر سر اینجا بر سر بحث کردن و تشویق کردن و فضا ایجاد کردن است.

شهلا دانشفر: در نتیجه شما دارید نتیجه گیری می‌کنید که مانع ذهنی است دارید نتیجه‌گیری میکنید که ما به يك نوعی قرار دادن يك استراتژی روشن مقابل رهبر کارگری و فعال کارگری است که بتواند از این دست‌انداز بیارند به جلو.

کاظم نیکخواه: میدانم این ذهنی است اما بحث من در مورد آگاه بودن کارگران از زاویه طبقاتی تر و سیاسی تری است. وقتی می‌گویم کارگران آگاه هستند بحث اینست که کارگران خیلی چیزها را میدانند که

اشاره کردم. اما وقتی می‌گویم باید کارگران را قانع کنیم یا توجهشان را به اهمیت تشکل و سراسری عمل کردن و تحزب برای مبارزه همین امروز جلب کنیم، اینجا جنبه عملی تری مورد نظر است. بنظر فشار اقتصادی در خیلی موارد کارگر را روزمره نگر میکند. ما باید بتوانیم این روزمره نگر را کنار بزنیم. بگذارید مثالی بزنم. در همین تلویزیون دیده‌ایم و شنیده‌ایم که کارگر می‌آید و پیام می‌گذارد و می‌گوید من میدانم که باید سرمایه داری را نابود کرد باید به حزب پیوست، باید مجمع عمومی و تشکل داشت، اما تهیه نان شب نمی‌گذارد ما به این مسائل برسیم. این کارگر از نظر من آگاه است. اما باید قانعش کرد که اگر به همان چند قلم اول با هر مشقتی هم که هست نپردازد، به نان شب هم نمیرسد. بحث من بر سر قانع کردن این است.

بعبارت دیگر بحث بر سر جلب توده وسیعی از کارگران به استراتژی ای است که الان در جنبش کارگری وجود دارد و توسط بخشهایی از کارگران اتخاذ شده است. درک اهمیت مسئله تشکل چیزی است که وجود دارد. اهمیت پیوستن به حزب يك حرکتی است که وجود دارد. ولی آیا الان به طور میلیونی کارگران شروع کرده اند که به این سمت بروند؟ باید رفت و تلاش کرد و گفت که کارگران باید پیوندند به این حزب در سطح میلیونی. آیا توده وسیعی از کارگران به مجمع عمومی پیوسته اند؟ خب نه! باید تلاش کرد که پیوندند. آیا مبارزه در این سطح و به این اشکالی که ما می‌گوئیم پیش می‌رود؟ هنوز نه. باید رفت و قانعشان کرد که این کار را بکنند. به این مفهوم ذهنی هست ولی چیزی که توده کارگران را وادار میکند که دیر تر بیایند، یا حرکت کند تر باشد اساسش فشار اقتصادی و درگیر شدن به مساله تهیه نان شب در فضای اختناق و سرکوب و

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

کارگران و تشکل ...

دیکتاتوری است.

یک جنبه را هم خوب است تاکید کنم و آن تشکلهایی است که فعالین کارگری راه می اندازند و آن هم اهمیت خودش را دارد. الان بخشی از فعالین کارگری مثلا "اتحادیه آزاد کارگران ایران" را تشکیل میدهند یا "کمیت۴ پیگیری" تشکیل میدهند. اینها را نباید دست کم گرفت. اینها هنوز ظرف تشکل فعالین کارگری هستند. ولی بسیار اهمیت دارد و مهم است که این نوع تشکلهای شکل میگیرد. مهم است که فعالین به این درجه آگاهی در جنبش کارگری وجود دارند که اهمیت تشکل را میدانند و مشغلهشان این است که بخشهای وسیعی از کارگران را بکشاند به این تجمعات و تشکلهای. این حرکت تعلق به جنبش کارگری دارد. دارد فضایی را در جنبش کارگری منعکس میکند. حتی اگر امروز بخش محدودی از فعالین کارگری را در بر بگیرد نشان دهنده پیشروی کل جنبش کارگری است. و بحث من در اینجاست که جنبش کارگری در این سطح آگاه است و در این سطح از ابزارها و ملزومات برخوردار است ولی در عین حال هنوز کار باید بکند هنوز همان فعالین کارگری باید توده کارگران را بتوانند به طور میلیونی بسیج کنند، به طوری که این موانع را کنار بزنند و تشکلهایشان را وسیع تر راه بیاندازند جنبش سراسری راه بیاندازند و غیره و غیره.

شهلا دانشفر: من با این صحبت شما موافقم که طبقه کارگر به طور واقعی سنگرهایی را به دست آورده. مثلا اینکه کارگر منتظر مجوز دولتی برای تشکلش نمی شود. چرا که میدانند باید تشکل را اعلام کرد مثلا کارگران نیشکر هفت تپه مراجعه کردند گفتند امضا بیاورید رفتند امضا آوردند و بعد از آن خودشان تشکلشان را اعلام کردند. کارگران کیان تایر فوراً به محض اینکه تصمیم گرفتند و فهمیدند که باید نمایندگانشان را برای مذاکره

از صفحه ۷

بفرستند، و مدیریت و حراستی ما میخواستند شوراهای اسلامی را بعنوان نماینده کارگران جا بزنند، کارگران فوراً گفتند ما اصلاً شورای اسلامی نمیخواهیم و مجمع عمومی شان را تشکیل دادند و ۲۷ نماینده انتخاب کردند. اینها یک سنگرهایی است. شما مقایسه کنید الان را با سال ۸۴. و حرکت کارگران شرکت واحد به طور مثال. پیشروهای زیادی در این دوره شده. الان در موقعیتی هستیم که به هر حال کارگر درگیر یک جنگ هر روزه است و مسئله فشار اقتصادی، مسئله مبارزه دائمی هر روزه اش. که خود این مبارزه هر روزهاش مکانیزیمی است که کارگر در آن متحدتر و متشکلتر می آید به جلو. همانطور که در هفت تپه میبینیم در کیان تایر میبینیم. الان فوری ترین و عملی ترین گامها که شما بخواهید که روی آنها تاکید کنید چیست؟ تاکیدات شما چیست؟

کاظم نیکخواه: بحث بر سر تشکل است. از نظر کلیت جنبش کارگری میشود طبعاً روی نکاتی تاکید کرد. ولی تا آنجا که مشخصاً به مسئله تشکل برمیگردد اولاً تقویت تشکلهای موجود مهم است. اینکه بخشهای وسیع تری از کارگران به تشکلهایی که فعالین کارگری ایجاد کرده اند پیوندند، و این بسیار مهم است. در وهله اول رهبران و فعالین کارگری هستند که باید به این تشکلها پیوندند و سعی کنند بخشهای وسیعی از کارگران را به این تشکلها بکشانند. ثانیاً مسأله مجمع عمومی مهم است. در کارخانه های مختلف و در بخشهای مختلف، مجمع عمومی هایی تشکیل شده. این باید به صورت یک جنبش سراسری مجمع عمومی دربیاید. ما داریم به جایی میرسیم که کارگران خود را عموماً با کل حکومت روبرو می بینند. کارگر مجبور است با جمهوری اسلامی درگیر شود تا بتواند نان شبش را تهیه کند. این را کارگر دارد در زندگی روزمره اش

می بیند. در نتیجه داشتن مجمع عمومی و بسیج کردن کارگران، دخالت توده کارگران کلاً در شرایط کارشان، سرنوشتشان، جامعه شان، سرنوشت حتی شهرشان این برای کل آینده و سرنوشت امروز طبقه کارگر و کل جامعه مهم است. این نقطه شوراها کارگری است. و به نظر من واقعیت دارد نشان میدهد که می شود جنبش مجمع عمومی را سراسری کرد. یکی از جنبه هایی که بخش زیادی از کارگران متوجه شده اند این است که مجمع عمومی در واقع پایه هر نوع تشکل واقعی کارگری است. بسادگی اینطور است که اگر تشکل بخواهد کارگری باشد باید متکی باشد به مجمع عمومی. در غیر این صورت میشود یک چیز توخالی، بوروکراتیک و پوچ که عملاً دولت و کارفرمایان میتوانند با آن سازش کنند و یا حتی علیه کارگر از آن استفاده کنند و حداقل اینکه بی خاصیت باشد.

توجه به این مسئله و اینکه سعی کنیم از هر فرصتی برای برگزاری مجمع عمومی استفاده کنیم و جنبش مجمع عمومی در بخشهای وسیعی از محیطهای کارگری راه بیافتد این امری است که فعالین کارگری و بخشهای مختلف کارگران که آگاه هستند بعهده شان است و باید آن توجه کنند. و در کنار اینها و در راس همه اینها پیوستن به حزب. کارگران وسیعاً به حزبشان نیاز حیاتی دارند و باید بدانند که این حزب را فی الحال دارند. یک عده الان مشغله شان این است که کلمه حزب را به کار میبرند ولی حزب شده یک موجود آسمانی که هیچ وقت نمی شود به آن دسترسی پیدا کرد. یک حزبی، یک تشکل محکم و قوی با استراتژی روشن و کمونیستی وجود دارد که طبقه کارگر را ۳۰ سال است نمایندگی کرده. در سیاست، در مسائل مختلف در افت و خیزهای مختلف اجتماعی. جاهایی که ممکن است توده کارگران حضور فعالی نداشته اند. مثل مسئله پروژه اصلاح حکومت اسلامی و دوم خرداد، مسئله اعدامها، بر سر

سنگسار، بر سر قوانین اسلامی و سر همه اینها. اگر آگاه ترین کارگر به مسائل سیاسی و اجتماعی دور و بر خود فکر کند و بگوید من امروز یا ۳۰ سال پیش اگر میخواستم در مورد برخورد به این مسائل تصمیمی بگیرم که با مصالح طبقاتی ام همخوانی داشته باشد چه کار می کردم میرسد به موضعی که این حزب گرفته. میخوام بگویم که یک حزبی وجود دارد که کارگر را تا به اینجا با استحکام و سازش ناپذیری نمایندگی کرده است. و این مهم است که کارگران فوج به این حزب پیوندند. ما برای آینده مان، و برای امروزمان نیاز به این حزب داریم. نیاز به تقویت این حزب داریم و حتی برای گسترش تشکلات اتحادیه، مجمع عمومی، شورها و هر چیز دیگر نیاز به حزبی داریم که کل صحنه را میبندد و پاسخ دارد و سعی میکند که کل طبقه را سازمان دهد. در نتیجه این هم یکی از گره گاههای مهمی است که در برای پیشروی در تمام عرصه ها حیاتی و تعیین کننده است و مهم است که فعالین کارگری همه کارگران را متوجه این حیاتی بودن این مسئله بکنند.

شهلا دانشفر: شاید این مسئله گرهی تری است و جایگاه خطیرتری دارد. چون حتی اگر کارگر با توجه به همین صحبت اولیه ای که شما گفتید، وقتی کارگر حتی برای دستمزدش مبارزه میکند با دولت و حراست و سرکوب و همه اینها روبرو میشود، با کل سیستم روبرو میشود. بنابراین یک مبارزه سیاسی لازم است و این مبارزه سیاسی یک حزب و سازمان می خواهد. بنابراین اگر کارگر بخواهد در همین مبارزه امروزش هم موفق شود اگر حزیش را داشته باشد و در حزیش متشکل شود حزب قدرتمندی باشد و همه کارگران به قول شما فوج به آن پیوندند این خیلی سریع تر می تواند آن جامعه را متحول کند.

کاظم نیکخواه: حتی برای تجزیه و تحلیل و انتقال تجربیات کارگران به بخشهای مختلف یک حزب لازم

است. ما شاهد این بودیم و کسی که مبارزات کارگری را دنبال کرده باشد متوجه می شود که در یک جایی این تجربیات مبارزه کارگران شرکت واحد، پتروشیمی، نساجی ها، کیان تایر و هفت تپه و بخشهای دیگر جمع میشود، حلاجی میشود و باز منتقل می شود به خود کارگران که از این تجربیات استفاده کنند. و این مبارزه روزمره کارگران را دارد جلو میکشد. یک حزب لازم است که بتواند با دید و افق روشنی این کارها را بکند. یک حزبی با یک پلاتفرم روشن یک جهت گیری سراسری که در عین حال همه جاها را می بیند و پیشروهای کارگران را سعی میکند به بخشهای مختلف کارگری انتقال دهد. اگر از هر نظر نگاه کنیم این حیاتی و مهم است.

شهلا دانشفر: بنابراین در اوضاع به ویژه متحول سیاسی امروز اولین پاسخ به مسئله تشکل من تا آنجایی که از صحبت شما برداشت کردم حزب می باشد. و فراخوان شما به این حزب پیوستن است. و دومین مسئله، مسئله مجمع عمومی است. در این مسئله ما تجربه کیان تایر را داریم. دیدیم جمع شدند و نماینده شان را انتخاب کردند بنابراین شدنی است و همین را میشود تشکیل مجمع عمومی را گام بعدی و تبدیل به یک مجمع عمومی سازمان یافته و مرتب کرد و این یعنی در واقع گام دوم قضیه که تبدیل به شورها و تشکلهای سراسری و این عملی است و من از صحبت شما این جور استنباط کردم.

کاظم نیکخواه: اینها الان در اوضاع کنونی هم عملی است و هم بسیار بسیار تعیین کننده و حیاتی است. و مهم این است که این خطیر بودن و حیاتی بودن به بخش هر چه وسیع تری از کارگران منتقل شود و جایگاه آن درک شود. و در نتیجه اینهاست که ما میتوانیم به جایی برسیم که پیشروهای بسیار بسیار سریعی در زمینه تشکل که کلید پیشروی کارگران است داشته باشیم.

نه "صبر" میکنیم، نه ...

از صفحه ۱

تمام توصیه یکی از چپاولگران ثروت مردم به مردم غارت شده، "صبر! است. صبر در مقابل همه فجایعی که بر سر میلیونها انسان در آورده اند و آنها را محکوم به گرسنگی روز افزون کرده اند. امثال ایشان در یک قلم فقط چند میلیارد تومان به جیب خودشان واریز کرده اند و بی گمان یک لحظه هم صبر نداشته اند که این یک قلم دزدی دو روز دیرتر به حسابشان واریز شود و با در دست داشتن قدرت دمار از روزگار آن کسی در می آورند که اگر در لحظه موعود سهم ایشان از چپاول را نمیپرداخت. ایشان وعده داده اند که با اجرای "طرح تحول اقتصادی" دولت تحول بزرگی به وجود خواهد آمد و با کمال بی شرمی در این واپسین ایام عمر نیز دروغ می بافند که این طرح "گمبدها و گرانی ها را برطرف میکند، فقر را می کاهش و رفاه نسبی به مردم می دهد." طرحی که اساس آن بر خاک سیاه نشانند توده مردم شکل گرفته را بشارت دهنده رفاه نسبی قلمداد میکنند. افسانه تحول مرد ستمکار که کلنگ گورش را می شکنود و به سرعت همه ناکرد کاری هایش را سعی میکند جبران کند تا در آن دنیا به آرامش برسد، افسانه و مخصوص فیلمهای سینمایی است. در دنیای واقعی اما، ستمکار تا هنگام سرازیر کردنش به قبر نیز مشغول مردم فریبی و ستم کردن است به مانند آیت الله جنتی که بی شک با این همه خدمت به اسلام در مدت ۳۰ ساله گذشته در بهشت برین با ائمه معصومین محشور است.

هنوز اما "طرح تحول اقتصادی" به اجرا نیامده با همین مثلا سوسیدگی که اکنون ظاهرا به کالاهای اساسی میپردازند بنا به گزارش بانک مرکزی که بی شک آمار واقعی نیست "شاخص بهای

کالاهای و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در مردادماه ۱۳۸۷ نسبت به ماه قبل ۸/۱ درصد و نسبت به ماه مشابه سال قبل ۶/۲۷ درصد افزایش یافته. این گزارش نشان می دهد که میزان تورم در ۱۲ ماه منتهی به مردادماه سال ۱۳۸۷ نسبت به ۱۲ ماه منتهی به مردادماه سال ۱۳۸۶ معادل ۳/۲۲ درصد بوده است. "میزان تورم بر اساس گزارش بانک مرکزی در مرداد ماه سال ۸۶، ۴/۱۵ درصد بوده است. اینها همه ثمره کوشش یکی از هارترین رژیمهای سرمایه داری است. یعنی در طی فقط یکسال گذشته کل مردم مزدگیر را به فقر دو برابر سال گذشته محکوم کردند. این امثال اصلاح طلبان رژیم مدعی هستند بخاطر سیاستهای احمدی نژاد است که تورم اینچنین افسار گسیخته شده و از عواقب اجتماعی آن مدام هشدار میدهند. یکی از "بلند پایه گان" این رژیم جناب "حسن روحانی، دبیر سابق شورای امنیت" این رژیم در اعتراض به سیاستهای احمدی نژاد به نکته هولناکی اشاره میکند؛ حاج حسن روحانی میگوید که بر اثر گران شدن قیمت نفت تا حد ۱۴۰ دلار در هر بشکه، عربستان ۸۵۰ میلیارد دلار و کویت ۳۵۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی دارند. ایشان بدون هیچگونه اشاره به در آمد دولت اسلام از این گرانی نفت فقط می پرسد "چرا وضع ذخایر ارزی ما اینگونه است." رقمی بین ۳۵۰ تا ۸۵۰ میلیارد دلار معلوم نیست در این مملکت چه شده است؟! فقط در طی یکسال یک مبلغ نجومی پول ناپدید شده است؛ آیا با این پول نمیشد یک شبه، دقیقا یک شبه، (اصطلاحی که اقتصاددانان بورژوازی از آن متفرنند و کمتر از دهسال را به مردم وعده خوب شدن زندگی شان را نمیدهند) در وضع زندگی میلیونها

انسان تحول بنیادین ایجاد کرد؟ در سالهای گذشته این مثلا "عاقلان" رژیم، امسال رفسنجانی، بودند که چپاول میکردند و اکنون نیز بدون اطلاع امثال ایشان این پولها گم و گور نشده است. حتی همین جناب دبیر سابق شورای امنیت رژیم نیز مطلع است که این پولها کجا هست، ایشان یادآور شده اند که: "ظاهرا عدهای مکلفند هر ماه به سراغ حساب ذخیره ارزی بروند و هرچه در آن است را جارو کنند. اینان مسئول جاروزدن حساب ذخیره ارزی شدهاند". اما این دولت در همین یکسال گذشته تا توانسته سعی کرده که حقوق ناچیز کارگران را نیز بالا بکشد. در طی همین یکسال، ما توده مردم باز هم محکوم به سطح نازلتری از زندگی شدیم. و ما خوب به یاد داریم که هر دسته و باند این رژیم دولت را در دست داشتند هر کدام بنوبه خود بیشتر از قبلی با یک نقشه هدفمند قصد داشتند که اقتصاد این جامعه را به نفع سود سرمایه داران سامان دهند. احمدی نژاد ادامه همان مسیر است اما با این تفاوت که خود را "شجاع میدان" و ظاهرا بی هیچ ابایی نقشه به فلاکت کشاندن کامل توده مردم را میخواهد عملی کند. و آیت الله لب گور نیز بر شجاعت این دولت و شخص احمدی نژاد درود میفرستد و از مردم میخواهند صبر داشته باشند که خدا بزرگ است هر چه آن بخواهد همان خواهد شد.

ظاهرا امر بر این نمایندگان خدا بر روی زمین مشتبه شده است که "ایرانی جماعت را باید گرسنه نگه داشت تا کاری دست خودش ندهد!" و ظاهرا دولت احمدی نژاد روی این حساب باز کرده، به زعم ایشان نهایتش یکی و دو روز سروصدایی خواهد شد و ایشان به کمک برادران نیروی انتظامی و اطلاعاتی همه را سرچایشان خواهند نشانند و بعد هم مردم آتق درگیر تهیه نان روزانه شان میشوند که دیگر فرصت فکر

کردن به چیزی دیگری را ندارند. و به تعبیری، هر کس مواظب کلاه خویش است که باد نبرد و ایشان نیز بساط استثمار را بیشتر از پیش ادامه خواهند داد.

حقیقت این است که همین امروز ما مردم از ۲۴ ساعت شبانه روز ۱۷ و ۱۸ ساعت آنرا درگیر تامین مایحتاج روزمره مان هستیم. برای خرید نان این ساده ترین احتیاج زندگی دستکم هم اکنون نزدیک یک ساعت و شاید هم بیشتر تلف میشود. (یک نکته را لازم است یاد آور شوم که نان ظاهرا سوسید دارد دولت برای جبران آن آردی در اختیار نانوایها گذاشته که محصول آن نانی سیاه و تلخ و خمیر است و به سرعت بیات میشود. و کارشناسان دانشگاه دیده ایشان مدام در تلوویزیون و روزنامه های این رژیم مردم را تحقیر میکنند که: مردم بلد نیستند از کالا به طریقه صحیح بهره برداری کنند! و اضافه میکنند که: مردم نان را میخرند که بریزند دور، چون کالای ارزان است و سوسید دارد اما اگر به قیمت واقعی آن بخردند از این اسراف کاریها انجام نمیدهند! پس باید یارانه را حذف کرد تا قدر نعمت را بدانند!!!) برای تهیه شیر دولتی ۲ ساعت صف را باید تحمل کرد؛ شیر دولتی به قیمت ۲۰۰ تومان برای هر لیتر، که نصف بیشتر آن آب است که وقت نوشیدن مزه ای که ندارد همان شیر است، مزه آبی است که قدری شیر قاطی آن است. اما شیر به قیمت آزاد به فراوانی در دسترس است اما کجا میتوان روزانه از ۷۰۰ تومان کمترین آن، تا بالای هزار تومان بابت شیر پرداخت. برای خرید میوه با وجود وفور این کالا اما بخاطر قیمتتهای سرسام آور آن ساعتها میگردیم تا شاید جای ارزان تر بدست آوریم. باب شده است که مردمی که تهیه گوشت مرغ برایشان دشوار است بسته های را تهیه کنند که سندان مرغ است. یا فقط مثلا

بال مرغ را خرید میکنند. روز به روز گوشت قرمز به کالای لوکس بیشتر نزدیک میشود. ظاهرا دولت به خواست خودش نزدیک شده است اما کاملا به آن نرسیده که میخواهد ته مانده سوسیدها را هم قطع کند تا کسی را یاری فکر کردن به هیچ چیز جز بدبختی خودش نداشته باشد.

با این وجود چیزی که آیت الله آفتاب لب بوم را به وحشت انداخته همین به زعم ایشان "حرکات ناشایست" است. ایشان خوب میدانند که با وجود همه ترندها و حيله گرپها آخوندی و غیر آخوندی این مردم ساکت نبودند و نیستند. میدانند این مردم به فکر این نبودند که فقط مواظب کلاه خویش باشند. میدانند این مردم هر جا که امکانش بوده فریاد خود را زده اند. فقط یک قلم اعتصاب روزانه صدها کارگر در گوشه و کنار این مملکت گویای فریادی است از اعماق که حق خود را از زندگی طلب میکنند؛ نه، ایشان و امثالهم بدانند کسی "جزع و فرع" نمی کند بلکه طلبکارانه حق خودشان را میخواهند. دولت ایشان تا حالا تنها هنری داشته به مدد سرکوب وحشیانه که حتی به کودکان هم رحم نمی کنند، نگذاشته این مبارزات پراکنده متشکل و یکدست شود. اما آخرین اقدام کارگران پنج کارخانه در سنندج شروع حرکتی است مهم در جهت اتحاد مبارزاتی کارگران که کل بساط این دستگاه نکبت را برچیند.

گزارشی از شرایط کار و زیست کارگران کوره های آجر پزی ارومیه

به نقل از سایت اتحاد سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران



در کوره های ملی افراد بیشتری، گاه تا هفتصد نفر کار می کنند. کار هر کوره پزخانه به عهده قالب دار، چرخ کش، کوره چین، ترمزچی، کوره سوز و چند کارگری است که کارهای حاشیه ای کوره را به عهده دارند. با شروع فصل بهار و گرم شدن نسبی هوا، کم کم کار شروع می شود. در کار قالب داری یک نفر موظف است خاک را با آب تبدیل به گل کرده و برای قالب داران جهت درست کردن آجر آماده کند. قالب داران نیز گل را به وسیله قالب های ۴ خانه و ۵ خانه تبدیل به آجر می کنند. هر قالب دار در روز توانایی درست کردن ۲۰۰۰ تا ۴۰۰۰ عدد آجر را به نسبت توانایی جسمی خود دارد. آجرهای خیس را حدوداً تا ۱۰ ساعت (بستگی به شرایط جوی و هوای گرم و خنک دارد) نگه می دارند تا خشک شود. آن گاه آجرهای خشک را جمع می کنند که اصطلاحاً به آن ها "قند" گفته می شود. در کار قالب داری، خانواده ها اعم از دختر و پسر، زن و مرد، بچه و سالخورده با توجه به این که برای هر شرایط سنی کاری وجود دارد؛ کار می کنند. ساعات کار طولانی بوده، به طوری که از ساعت ۴ صبح شروع و تا ساعت ۷ و ۸ شب ادامه دارد. دستمزد این کارگران هزاری است و برای هر هزار عدد آجر آماده، مبلغی مشخص حقوق تعلق می گیرد.

پیشنهاد می شود که کارگران کوره های آجر پزی ارومیه نه آغاز مبارزه این کارگران برای دستیابی به مطالباتشان بود و نه پایان آن خواهد بود. گزارشی که در زیر همراه با عکس آورده میشود توسط یکی از کارگران کوره های آجر پزی ارومیه (عضو اتحادیه) تهیه شده است که به نوبه خود تلاشی است آگاهانه از سوی آنان برای طرح شرایط کار و زیست این بخش از کارگران در افکار عمومی و به این معنا بیانگر وجود مبارزه ای است که علیرغم شکست اعتصاب آنان در خرداد ماه، همچنان در جریان است. اتحادیه آزاد کارگران ایران 14/6/1387

۳۳۰۰۰ آجر را دارا می باشد. بعد از پرسیدن هر قمبر یک نفر مسئول گرفتن در آن به وسیله آجر سرخ نشده و ملات است. حقوق کارگران چرخ کش هم هزاری می باشد. بعد از کار چرخ کش ها و انتقال آجرهای خام از میدان ها به قمبرها، نوبت به سرخ کردن آجرها در دمای بسیار بالا می رسد که به وسیله نفت سیاه انجام می گیرد. مسئولیت این کار و تنظیم آتش و کارهای آن را دو نفر به صورت شبانه روزی برعهده دارند که "کوره سوز" نامیده می شود. برای سرخ شدن هر قمبر آجر خام، حدود ۲۴ ساعت وقت لازم است. بعد از سرخ شدن آجرها و آماده شدن کامل آن ها، درب قمبرها را باز می کنند تا حرارت شدید آن ها برطرف شده و برای فروش و بار کردن آماده شوند. حقوق کوره سوزها تنی حساب می شود. دمای تقریبی حرارت ۹۰ درجه است. بعد از سرخ شدن آجرها نوبت باز کردن آن هاست. امر بار کردن آجرها نیز بر عهده تعدادی کارگر است که به آن ها "فرمزدار یا فرمزچی" گفته می شود. کار آن ها بسیار سخت و طاقت فرساست. آنان قبل از آن که آجرها به اندازه کافی سرد شوند در هوای بسیار گرم و گرد و خاک شدید که تقریباً کار در آن شرایط از عهده کم تر کسی بر می آید، مجبور به بار کردن آجرها هستند. حقوق فرمزدارها به تعداد ماشین هایی است که بار زده می شوند.

یکی دیگر از کارهای کوره نیز کار "انبار زن" است. انبار زن ها آجرهای بر جای مانده از قمبرها را در میدان ها بر روی هم می چینند تا در فصل تعطیلی کار قالب داری و تولید آجر خام از انبارها استفاده کنند. در انبار زنی نیز گاهی زن ها و بچه ها هم کار می کنند. حقوق آن ها هم به تعداد آجر و هزار تایی حساب می شود.

مشکلات موجود در کوره پزخانه ها

های آب و دستگیره های شیرها همیشه خراب هستند. کسی هم به فکر درست کردن این ها نیست.

فاضلاب حمام ها به جایی دور از منزل مسکونی کارگران انتقال داده نشده و در چند قدمی منزل ها، چاله ای برای این منظور حفر شده که آن هم سرپوش نداشته و تنها محیط را آلوده و غیر بهداشتی می کند. آشغال ها از سوی خود کارگران در یک مکان جمع آوری می شود. اما کار انتقال آن ها که طبیعتاً برعهده کارفرمایان(به مکانی دور از محل زندگی کارگران) است، به هیچ عنوان به مرحله انجام نمی رسد. به ناچار باید آن ها را آتش بزنند که این کار هم ایجاد آلودگی شدید هوا کرده و آسایش مردم را مختل می کند. مساله مهم تر از هر چیز وضعیت تحصیل کودکان است که آن هم به نوبه خود دارای مشکلات بسیار زیادی است. این کودکان به دلیل فقر شدید مالی خانواده مجبور به انجام سخت ترین کارها در سنین پایین کودکی می شوند و در همین سنین دستان کوچکشان به جای قلم و کاغذ، با خشت های سنگین وزن و گرمای شدید محیط کار در طول شبانه روز آشنا می شود.

آن ها نصف سال تحصیلی شان را مجبورند در حین کار سپری کنند. به طوری که نصف روز را در مدرسه و نصف دیگر روز را در کوره ها کار می کنند. خانواده هایی وجود دارند که به دلیل نداشتن مسکن مجبورند فصل تعطیلی کار را نیز در منزل های کوره ها بگذرانند که در این صورت زمستان در راه است و به خاطر این که کوره ها دور از شهرها و روستاها واقع هستند، وسایل نقلیه در مسیر بچه ها تردد ندارند. ناچاراً بچه ها تمامی راه را با پای پیاده طی کنند. باز در طول راه امکان دارد با سگ های ولگرد، گرگ و حیوانات درنده برخورد کنند. داشتن تمامی این

بدون شك کارگران هیچ نقطه از جهان اوضاع چندان خوبی ندارند. کارگران کوره ها در این میان از جمله کارگرانی هستند که بیشتر از هر بخش دیگری درگیر این مشکلات هستند. نداشتن مسکن مناسب یکی از مشکلات بزرگ کارگران است. در کوره ها منزل های مسکونی کارگران را در یک ردیف ساخته و به هر خانواده ۲ یا ۳ اتاق داده می شود. اندازه این اتاق ها حدوداً ۸۰/۱ متر ارتفاع آن ها حدود ۸۰/۱ متر است. ضخامت دیوارها بسیار کم و سقف آن ها چوبی است که در مقابل حوادث مقاومت چندانی ندارند. کف آن ها سیمان و دیوارها گچی است و کلا ساخت آن ها قدیمی و کهنه است و بیش از ۱۵ سال از تاریخ احداث آن ها می گذرد. هم چنین اکثر اتاق ها دارای رطوبت هستند به طوری که هر هفته کارگران مجبور به انتقال اسباب و اساس منزل به بیرون و خشک کردن آن ها جلوی آفتاب هستند که در حین کار مشکلی بزرگ است.

مجمع عمومی مشترک ...

از صفحه ۱

تشکیل مجامع عمومی منظم کارگری امری شدنی و فوری برای تداوم، قدرتگیری و متحد نگاهداشتن صفوف کارگران در این اعتراضات است. به عبارت دیگر امروز بیش از هر وقت ضروری و عملی است که همچون کارگران در شهر سنجند، در شهرهای مختلف در میان کارگران کارخانجات مختلف مجامع عمومی کارگری را برپا کرد و مبارزات متحد، سازمانیافته و واحدی را در همه جا سازمان داد و به پیش برد. بویژه ما همواره شاهد اعتراضات واحد و حمایت ها و همبستگی ها در میان اعتراضات کارگران در شهرهای مختلفی چون قزوین، کاشان، همدان، کرمانشاه و شهرهای خوزستان و اصفهان و غیره بوده ایم و امروز با درس گیری از تجربه کارگران این ۵ کارخانه در شهر سنجند میتوان با برپایی مجامع عمومی کارگری مشترک به حرکات همزمان و متحد کارگران در شهرهای مختلف شکل سازمانیافته تر و نقشه مندتری داد. میتوان این مبارزات را حول خواسته های واحدی متحد کرد. میتوان با این کار نه تنها تهاجم هر روزه دولت و کارفرمایان را عقب زد و خواهان

برده و توانسته اند صدای اعتراضشان را بگوش جامعه برسانند و هر جا توانسته اند خانواده های خود را همراه کنند، در موقعیت قدرتمندتری قرار گرفته و توانسته اند موفقیت های بیشتری در مبارزه خود داشته باشند. کارگران بخوبی در مبارزات هر روزه خود تجربه کرده اند که آنچه مدیریت و دولت را بوحشت می اندازد، جمع شدن و متحد بودن آنهاست. و دیده اند که برای اینکه از بالای سر آنها زد و بند نشود، برای اینکه در صفوفشان تفرقه افکنی نشود، برای اینکه آنها را سر نداشتند و در زیر دست و بال مراجع مختلف دولتی به فرسودگی نکشانند، باید متحد باشند و با اعتراضات قدرتمندشان خواسته های خود را تحمیل کنند. بنابراین برای همه آنها باید مجامع عمومی منظم کارگری را بر پا داشت. باید در مجامع عمومی کارگری، یعنی آنجا که همه کارگران جمع هستند، تصمیم گرفت، رهس خواسته های خود را روشن کرد و حول آن متحد شد و در آن نمایندگان خود را انتخاب کرد و متحد و قدرتمند به جلو رفت.

مجمع عمومی و اتحاد مجدد کارگران در رامشیر

به نمونه مبارزه کارگران رامشیر

بکنند و به این ترتیب کارگر مذکور بدون اینکه احدی کک اش بگزد و کارفرما کوچکترین مسئولیتی را متوجه خود بکند در عنوان جوانی در میان شعله های آتش جان باخت. یا همین امسال در یکی از کوره ها کودکی حین خوردن بستنی که از شدت گرما به سایه تپه های خاکی مخصوص گل آجر پناه آورده بود بدلیل ریزش خاک و مدفون شدن در زیر آن در مسیر انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد. علیرغم اینکه معمولاً کوره های آجر پزی در هر منطقه ای دور از محیط شهری و در منطقه بخصوصی متمرکز هستند با اینحال هیچ درمانگاه و یا مرکز پزشکی حتی کوچکی در کنار آنها وجود ندارد تا در

در پالایشگاه فازهای ۹ و ۱۰ داده است، سخن گفتند و تصمیم گرفتند که متحد شوند و با برپایی مجمع عمومی بر سر چگونگی ادامه مبارزه خود تصمیم بگیرند. بدین ترتیب دیدیم هنگامیکه کارفرما خود را در برابر جمع کارگران دید، ناگزیر شد حقوق یکماه کارگران را بپردازد و در ادامه نیز وقتی باز میخواست از دری دیگر وارد شود و این بار کوشید با دسته دسته کردن کارگران و پرداخت تدریجی یکماه دستمزد به آنها، صفوف کارگران را در هم شکند، باز با شنیدن زمزمه برپایی مجمع عمومی کارگران عقب نشست و قول پرداخت يك ماه دیگر از طلبهای کارگران را به آنها داد. این تجربه جنبه دیگری از کارکرد و نقش مهم مجمع عمومی را پیش چشم کارگران گذاشت. نشان داد که مجمع عمومی کارگر را متحد میکند. بدین ترتیب وقتی به مبارزات هر روزه خود نگاه میکنیم مثال فراوان است. و همه اینها بر يك چیز تاکید میگذارد. تشکیل مجامع عمومی کارگری، تثبیت این مجامع بعنوان ظرف اعمال اراده و محلی برای تصمیم گیری متحد کارگری امری فوری و حیاتی است. باید فوراً دست بکار شد.

زنده باد مجامع عمومی کارگری، زنده باد شوراها

گزارشی از شرایط کار و زیست ...

از صفحه ۱۰

مشکلاتی که به آن اشاره شد برانگیزه و روحیه آن ها تاثیر منفی گذاشته و بیشتر اوقات سبب ترك تحصیل بچه ها می شود.

به لحاظ تامین اجتماعی کارگران کوره های آجر پزی از هیچ تأمینتی برخوردار نیستند و حتی همین قوانین ابر موجود نیز در این کوره ها جایی ندارند. اداره کار صراحتاً در کنار کارفرماها قرار دارد و اگر کارگری نیز به اداره کار شکایتی ببرد با توهین از آنجا رانده میشود. به عنوان مثال در اعتصاب امسال رئیس اداره کار ارومیه با زبانی توهین آمیز شخصا کارگران را تهدید به استفاده از زور

صورت آسیب دیدگی کارگران درمانهای اولیه در آنجا صورت بگیرد. خود همین مسئله یکی از عوامل جان باختن کودکی بود که آوار تپه خاکی بر سرش فرو ریخت و در راه انتقال به بیمارستانی در شهر ارومیه جان باخت. شدت کار در کوره های آجر پزی بسیار بالاست. بدلیل اینکه دستمزد این کارگران به ازای هر هزار عدد آجر تعیین میشود آنان ناچار هستند برای رسیدن به دستمزدی که بتواند زندگی شان را بدرجه ای تأمین نماید روزانه تا ۱۶ ساعت کار کنند و در حین کار تا آنجا که میتوانند با توجه به توان جسمی شان با شدت و سرعت هر چه

اخبار اعتراضات کارگری در ایران

اخراج نمایندگان کارگران در کارخانه نیروورخش سنندج

طبق خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است چهار نفر از نمایندگان کارگران این کارخانه اخراج شده‌اند. آخرین خبر از این کارخانه حاکی است که اشرف و عبید پیرخضری و شورش تیکاب و بختیار سعیدی از کار اخراج شده‌اند. در میان این کارگران اخراجی تنها بختیار سعیدی تا پایان شهریور ماه قرار داد کاری دارد و کارفرما اعلام کرده است قرار دادش را تمدید نمی‌کند. کارگران این کارخانه سه ماه حقوق معوقه دارند و تا کنون دستمزدهایشان پرداخت نشده است. کارفرمای این کارخانه اعلام کرده است در صورت لزوم کارخانه را تعطیل و در جای دیگری سرمایه‌گذاری می‌کند.

اعتصاب کارگران کشت و صنعت مهاباد

کارگران کشت و صنعت مهاباد روز دوشنبه ۱۱ شهریور ۳۸۷ در اعتراض به اخراج کارگران و برای پرداخت دستمزدهای معوقه دست از کار کشیدند. این شرکت قبلاً تعدادی از کارگران را اخراج کرد و اخیراً باز هم گفته است که تعداد دیگری را اخراج می‌کند. به دنبال این اعتصاب، کارفرما به جمع کارگران آمد و اعلام کرد مطالبات آنها را پاسخ می‌دهد. یکی از کارگران می‌گوید: "ما از آن‌ها خواستیم در صورتی که به مطالباتمان جواب ندهند یک بار دیگر دست به اعتصاب خواهیم زد." کارگران شرکت کشت و صنعت با نوشتن نامه‌ای به فرمانداری شهر، خواسته‌های خود را تاکید کرده و اعلام کردند اگر مطالباتشان بی جواب بماند، دست به تجمع اعتراضی می‌زنند. روز دوشنبه ۱۱ شهریور ۱۲۰ نفر از کارگران این شرکت در اعتصاب شرکت کرده بودند. کارفرما به کارگران قول داد که ۱۷ شهریور به مطالباتشان پاسخ میدهد.

اعتراض کارگران شهرداری اندیمشک به پرداخت نشدن دستمزدها

۲۰۰ نفر از کارگران شهرداری اندیمشک در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق ۶ ماه گذشته خود روز دوشنبه ۱۱ شهریورماه در مقابل شهرداری این شهر بمدت یک ساعت تجمع کرده و خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند. این خبر می‌افزاید که شهردار اندیمشک در جمع کارگران حاضر شد و وعده داده است که طی هفته آینده بخشی از حقوق این کارگران پرداخت خواهد شد.

اعتراض رانندگان خودروهای سواری در سنندج

به گزارش سایت اتحاد، رانندگان خودروهای سواری کرایه‌ای، عضو تعاونی ۴۱۰ سنندج روز شنبه فرماندار سنندج و مسوولان پایانه های استان کردستان را وادار به عقب نشینی از اعمال فشار برای بکارگیری یکی از نورچشمی‌های فرماندار سنندج در تعاونی مسیر سنندج به کرمانشاه شدند. حیدری فرماندار سنندج از طریق جوادیان مدیر کل پایانه‌های استان کردستان، قصد داشت شخصی به نام پیمان نجف پور، نورچشمی خود را به مسوولان این تعاونی مسافری تحویل کند که با مقاومت اعضای تعاونی مواجه شد. مسوولان برای تسلیم کردن رانندگان، روز شنبه از صدور صورتحساب که همراه داشتن آن و ارایه آن به پلیس راه الزامی است خودداری کردند و به همین دلیل ۱۴۰ راننده این تعاونی روز شنبه بدون درآمد راهی خانه شدند. رانندگان به رغم پافشاری غیر مستقیم حیدری فرماندار سنندج و اصرار مستقیم و تهدیدهای علنی جوادیان از پذیرفتن نورچشمی فرماندار خودداری کردند و سرانجام به حضورش در مسیر سنندج به دهگلان موافقت کردند که نورچشمی فرماندار هم ناچار به قبول شد. رانندگان این تعاونی معتقد بودند که تعداد خودروهای موجود در مسیر سنندج به کرمانشاه در حدی است که عملاً روزانه یک سرویس رفت و برگشت هم نصیب رانندگان نمی‌شود و اگر قرار باشد مسوولان هم نورچشمی‌های خود

را به آنان تحویل کنند همگی از نان خوردن می‌اقتند.

نورچشمی فرماندار سنندج، با اتکا به معرفی‌نامه خود از بنیاد شهید سعی در تحمیل نظر خود را داشت که با مقاومت هیات مدیره تعاونی سرانجام ناچار به تسلیم شد. به همین دلیل روز شنبه خودروهای سواری کرایه سنندج به کرمانشاه و همدان و دهگلان دست از کار کشیده و تا اجابت نظرشان در دفتر تعاونی در ترمینال سنندج تجمع کردند

اعتصاب کارگران شرکت رامشیر در پالایشگاه گاز فازهای ۹ و ۱۰ عسلویه

به گزارش سایت اتحاد روز ۱۶ شهریور حدود ۱۵۰۰ نفر از کارگران شرکت رامشیر که در پروژه پالایشگاه گاز فازهای ۹ و ۱۰ عسلویه کار می‌کنند در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه از دستمزدهایشان دست به اعتصاب زدند.

متعاقب این اعتصاب مدیر شرکت رامشیر برای جلوگیری از گسترش و تشدید اعتراض کارگران و ایجاد شکاف بین آنها به ترفند ضد انسانی جدائی قومیتی متوسل شد و تلاش کرد آنان را به کرد و لر تقسیم کند که متأسفانه این ترفند مدیریت موثر واقع شد و کار به درگیری و تفرقه در میان کارگران کشید.

بدنبال این وضعیت تعدادی از کارگران آگاه در این مسئله دخالت کرده و با صحبت‌های آنان، کارگران متوجه اشتباه خود شدند و این مسئله نهایتاً نتوانست در اعتراض متحدانه آنان خللی وارد کند. کارگران بعد از آنکه متوجه ترفند کارفرما برای ایجاد شکاف در میان خود شدند شب بعد از اعتصاب در خوابگاه‌های خود با تشکیل جمع‌های ده‌نفره و صحبت بر سر موانع سر راه موفقیت خود به این نتیجه رسیدند که باید بیش از پیش با هم متحد باشند.

در حال حاضر در میان کارگران بحث بر سر تشکیل مجمع عمومی و انتخاب نماینده است تا قادر شوند مبارزه خود را با انسجام و اتحاد هر چه بیشتری به پیش برند. در حال در ادامه اعتصاب

کارگران و تلاش آنان برای برپایی مجمع عمومی، کارفرما مجبور شد یک ماه از دستمزدهای کارگران را پرداخت کند و از روز دوشنبه ۱۷ شهریور اقدام به پرداخت یک ماه دیگر از دستمزدهای کارگران در گروه‌های ده نفره و ۱۵ نفره کرد بطوریکه با این نحوه پرداخت برای دو هزار کارگر، دو ماه طول خواهد کشید تا همه کارگران دستمزدهای معوقه خود را دریافت کنند.

کارفرما تلاش دارد برای مهار اعتصاب کارگران از یک سو در میان آنان چند دستگی ایجاد کند و از سوی دیگر عملاً از تعهد پرداخت یکماه دیگر از دستمزدهای کارگران سرباز زند.

این اقدام ضد انسانی مدیریت شرکت در حالی صورت می‌گیرد که علاوه بر عدم پرداخت چندین ماه از دستمزدهای کارگران، از نظر غذا و خوابگاه نیز آنان در شرایط بسیار مشقت باری مشغول به کار هستند.

بنا بر همین گزارش شرکت "اولیک" پیمانکار اصلی پالایشگاه گاز فازهای ۹ و ۱۰ که شرکت رامشیر نیز خود یکی از پیمانکاران آن است قصد دارد تا پایان شهریور ماه ۸۰۰ نفر از کارگران خود را اخراج کند.

در تداوم اعتراض کارگران، کارفرما به نماینده‌های کارگران قول داد از ۲۲ شهریور یک ماه دیگر از دستمزدهای کارگران را پرداخت کند. اما عملاً این کار صورت نگرفت و مدیریت برای گریز از انجام تعهدش و ایجاد شکاف در میان کارگران اقدام به عملی کردن وعده خود با پرداخت این دستمزدها به ۱۰ الی ۱۵ کارگر در روز نمود.

کارگران شرکت رامشیر وقتی متوجه این ترفند کارفرما شدند تصمیم گرفتند برای تداوم اعتراض خود و سازمان دادن یک اعتصاب متحدانه اقدام به برگزاری مجمع عمومی بنمایند. بدنبال این وضعیت و آگاهی کارفرما از زرمزه برگزاری مجمع عمومی در میان کارگران و تصمیم آنان به تداوم اعتراض، روز پنجشنبه ۲۱ شهریور مسئولین شرکت به دو نفر از نمایندگان کارگران اعلام کردند که از جمعه ۲۲ شهریور

طی چند شب متوالی یک ماه دیگر از دستمزدهای همه کارگران را پرداخت خواهند نمود.

در این گزارش همچنین آمده است که کارفرمای شرکت رامشیر پس از اعتصاب کارگران، در ۱۶ شهریور، از حراست کمپ و پالایشگاه خواست تا از ورود یکی از کارگران فعال در اعتصاب به نام بهاری به شرکت جلوگیری نمایند. بدین ترتیب این کارگر علیرغم مطالبه چهار ماه از دستمزدها هم اکنون حق ورود به خوابگاه را ندارد و شبها به دلیل بی پولی در حاشیه خیابانهای عسلیویه شب را به صبح می‌رساند.

اعتصاب کارگران پتروشیمی کاویان و جوشکارهای آرگن شرکت رامکو در عسلویه

بنا بر گزارش سایت اتحاد، روز پنجشنبه ۲۱ شهریور کارگران جوشکار آرگن در شرکت رامکو در اعتراض به پایین بودن دستمزدهایشان دست از کار کشیدند.

این کارگران در حال حاضر ۶۰۰ هزار تومان در ماه دستمزدها می‌گیرند و خواهان دو برابر شدن دستمزدهای خود هستند. بر اساس این گزارش اعتصاب کارگران جوشکار آرگن شرکت رامکو با پیوستن گروه‌های دیگری از کارگران به این اعتصاب ابعاد وسیعتری پیدا کرده است و همچنان ادامه دارد. شرکت رامکو سی جوشکار آرگن دارد.

بنا بر گزارش دیگری از همین سایت کارگران شرکت پتروشیمی کاویان نیز در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه از دستمزدهایشان، روز دوشنبه ۱۸ شهریور، دست به اعتصاب زدند.

بر اساس این گزارش، کارگران معترض مورد حمله نیروهای حراست قرار گرفتند و بعد از درگیری با آنان همانروز اعتصاب خود را خاتمه دادند. حراست شرکت پتروشیمی کاویان پس از حمله به کارگران، برای جلوگیری از شروع مجدد اعتصاب اقدام به ایجاد فضای امنیتی و پلیسی شدیدی در شرکت نموده و با گرفتن کارت ورود تعدادی از کارگران از ورود آنان به محوطه شرکت جلوگیری می‌کند

اخباری اعتراضات کارگری در ایران

اعتصاب کارگران نیروگاه اتمی بوشهر

بنابه خبر منتشر شده در ۹ شهریور ماه، کارگران نیروگاه اتمی بوشهر طی روزهای گذشته، با تجمع در مقابل این نیروگاه خواستار پرداخت مطالبات خود شدند که شامل سه ماه دستمزد و حقوق پرداخت نشده است و اعلام کردند که چنانچه طی روزهای آینده تمامی مطالبات آنها پرداخت نشود، مجددا دست به اعتصاب خواهند زد. این خبر می افزاید که به دنبال اعتصاب کارگران، مسئولین سراسیمه شده و یک ماه از حقوق کارگران را پرداختند و قول دادند که بقیه مطالبات کارگران را نیز در روزهای آینده بپردازند. همین خبر در آخر می افزاید که این اولین اعتصاب کارگران نیروگاه اتمی بوشهر برای

اعتصاب کارگران شرکت فلات پارس در پتروشیمی پلی اتیلن سنگین کرمانشاه

دریافت حقوقهای پرداخت نشده شان نبوده است. صبح روز ۱۹ شهریور کارگران شرکت فلات پارس در پتروشیمی پلی اتیلن سنگین کرمانشاه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان دست از کار کشیده و اعتصاب نا محدودی را شروع کرده اند.

این کارگران که تعداد آنان ۲۰۰ نفر است از نیمه فروردین امسال تا کنون هیچ دستمزدی دریافت نکرده اند. این کارگران در رابطه با این موضوع بارها دست به اعتراض زده و پاسخی نگرفته اند و در همین

رابطه اعلام کرده اند که روز ۲۳ شهریور در محل شرکت دوباره دست به تجمع خواهند زد. همچنین بنا به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران پتروشیمی پلی اتیلن سنگین کرمانشاه از اول شهریور ماه تا کنون حدود ۳۰۰ نفر از کارگران خود را اخراج کرده است و طبق اظهار کارگران قرار است تا پایان شهریور ماه ۱۰۰ نفر دیگر از آنان نیز از کار خود اخراج بشوند.

محمد صالح کیاماری عضو سندیکای کارگران نقاش بازداشت شد

به گزارش سندیکای کارگران نقاش و ترتیبات ساختمان، بعد از ظهر چهارشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۸۷، محمد صالح کیاماری عضو هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش بازداشت شده به کلاتری منتقل شد و شب را در بازداشتگاه به سر برد.

تلاش دارند که بعد از این از طریق مجمع عمومی و تصمیم گیری جمعی مبارزه خود را به پیش برند. مدیریت که اعتراض کارگران را مشاهده کرد. از ترس گسترش این اعتراض فوراً سرویس های ایاب و ذهاب کارگران را قطع کرد. تا کارگران در منزل بمانند و به کارخانه نیایند. اما کارگران تصمیم گرفتند با کمک و اتحاد یکدیگر و با استفاده از وسایل شخصی خود به کارخانه بیایند و تجمع و اعتراضشان را ادامه دهند. بدین ترتیب از شب ۱۶ شهریور این حرکت اعتراضی ادامه دارد. و کارگران اعلام کرده اند که تا وقتی پاسخ نگیرند به اعتراضشان ادامه خواهند داد. روز ۱۹ شهریور نیروی انتظامی به کارخانه آمد. کارگران را تهدید کرد ولی بعد از مواجهه با اتحاد کارگران، ناگزیر محل را ترک کرد. صنایع فلزی ایران در منطقه شاد آباد قرار دارد که کارخانجات دیگری نیز در آنجا واقع است. یک نگرانی مدیریت تسری این حرکت به شرکت صنایع فلزی ۱ و دیگر

نا امنی محیط کار در سد گتوند علیا باز هم قربانی گرفت

بنا به خبر رسیده به حزب کمونیست کارگری، یکشنبه شب ۱۱ شهریور، یکی از کارگران سد گتوند علیا در استان خوزستان بنام داریوش نعیم زاده هنگام تلاش برای بیرون کشیدن لودری که در تونل سد گیر کرده بود، در اثر یک سانحه جان باخت و قربانی نا امنی محیط کار و سودجویی صاحبان سرمایه شد. این دومین مورد مرگ کارگران در سد گتوند علیا در دو ماه گذشته است. اواسط تیرماه نیز کارگر دیگری بنام احمد حلاج شوشتری در اثر رها شدن و بریدن کابل و اصابت به او از ارتفاع به پائین پرتاب شد و بشکل دلخراشی جان باخت.

داریوش نعیم زاده دارای همسر و دو فرزند خردسال بود و حدود ۲۵ سال سن داشت و صبح امروز سه شنبه ۱۲ شهریور طی مراسم باشکوهی در میان خشم و اندوه همکاران و خانواده اش و جمع کثیری از مردم از درب منزلش در شهرستان شوشتر با پای پیاده تشییع و در حالیکه به رسم محلی در طول مسیر تیراندازی هوایی میکردند، بخاک سپرده شد.

حزب کمونیست کارگری عمیقاً مرگ داریوش نعیم زاده و احمد حلاج شوشتری را به خانواده های آنها و بستگان و همکارانشان تسلیت کارخانجات در منطقه است.

صنایع فلزی از سال ۸۴ بعد از خصوصی سازی و روی کار احمدی نژاد مشکلاتش شدت یافت. سال ۸۶ کمیته بحران ۸۲ میلیون به این دو شرکت داد. ۵۰ میلیون به شرکت صنایع فلزی دو داده شد که از محل آن همانطور که اشاره شد، حقوق دو ماه و نیم کارگران داده شد. در همان موقع ۳۰۰ نفر از کارگران قراردادی اخراج شدند. ۷۰۰ نفر باقی ماندند که هم اکنون ۳۵۰ نفر در صنایع فلزی ۱ و ۳۵۰ نفر در صنایع فلزی ۲ کار میکنند.

میکرید و کارفرما و دولت را بدلیل بی توجهی و سودجویی و عدم تامین امنیت محیط کار محکوم میکند. حزب خواهان پایان دادن به شرایط نا امنی است که محیط های کار را به قتلگاه کارگران تبدیل کرده است. دولت و کارفرما مسئول مرگ این کارگران و هزاران کارگر دیگری هستند که در محیط های کار جان خود را از دست میدهند. پرداخت غرامت به خانواده های این کارگران و تامین یک زندگی مرفه برای آنها، حق ابتدائی و مسلم خانواده های آنها است.

لازم به ذکر است که سد گتوند علیا در استان خوزستان ۳۰ کیلومتری شمال غربی شهرستان شوشتر و در ۱۲ کیلومتری شهر گتوند واقع شده است. شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران بعنوان کارفرما و شرکت مهندسی مهتاب قدس با همکاری شرکت فرانسوی کویینه بلبه بعنوان مشاور و قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا - شرکت مهندسی سپاسد بعنوان پیمانکار از اول مهرماه سال ۸۰ این پروژه را در دست دارند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری! مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی! حزب کمونیست کارگری ایران ۲۰۰۸، ۱۲ شهریور ۱۳۸۷

مدیرعامل کل این گروه صنایع فلزی فردی بنام فرد منش است که در صنایع فلزی شماره ۱ دفتر دارد. شرکت صنایع فلزی شماره ۱ مدیریت جداگانه دارد و تولید آن متفاوت است. این شرکت هفته گذشته بابت یکسری مزایا مانند کوبین های غذایی و کمک تحصیلی به فرزندانشان و هزینه سفر که قبلاً میگرفتند و قطع شده بود اعتصاب کردند. و خواهان آن شدند. و منتظر جواب هستند. مدیر آن فردی بنام گلی نام دارد.

یک دنیای بهتر بر نامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

تظاهرات و تجمع ۷۰۰ نفر از کارگران لوله سازی خوزستان

کارگران لوله سازی خوزستان در ادامه اعتراضات و مبارزات خود برای گرفتن دستمزدهای پرداخت نشده خود امروز دست به راهپیمایی در مرکز شهر زدند. بنا به گزارش رسیده به حزب کمونیست کارگری کارگران این شرکت از ساعت نه صبح امروز یکشنبه ۱۷ شهریور در خیابان نادری تجمع کردند و از آنجا به طرف خیابان طالقانی که محل دفتر شرکت لوله سازی است راهپیمایی کردند. شمار کارگران تظاهر کننده ابتدا حدود ۳۰۰ نفر بود و در حین راهپیمایی با پیوستن تدریجی سایر کارگران این شرکت، به ۷۰۰ نفر رسید. کارگران در مقابل ساختمان ۱۰۰۱ که محل دفتر شرکت است تجمع کردند و با شعار دادن خواستههای خود را فریاد زدند. کارگران شعار میدادند "پاسخ ما را بدهید"، "مرگ بر ظالم"، "بازم پول

مارو خوردن، کارگرا گشنه مردن". شماری از خانواده های کارگران نیز در تجمع اعتراضی روز یکشنبه شرکت داشتند. نیروهای انتظامی کارگران را محاصره کرده بودند و مانع پیوستن مردم به آنها میشدند. یکی از همسران کارگران که مشغول فیلمبرداری از صحنه اعتراض بود مورد حمله نیروهای انتظامی قرار گرفت و مامورین جمهوری اسلامی دوربین او را گرفتند. این حمله با اعتراض شدید کارگران مواجه شد. بسیاری از مردم در پیاده روهای اطراف تجمع کرده بودند و با تکان دست و ابراز حمایت، همبستگی خود را با کارگران نشان میدادند. با ادامه تجمع و شعار دادن کارگران، وکیل مدیر شرکت و یک سرهنگ فرمانده نیروهای انتظامی به میان کارگران آمدند و قول دادند تا دو روز دیگر طلبهای کارگران پرداخت

خواهد شد و اعلام کردند که مدیریت ادامه کاری کارخانه و اشتغال کارگران را تضمین خواهد کرد. کارگران اعلام کردند که اگر این وعده ها عملی نشود دوباره در ابعاد گسترده تر دست به تجمع و اعتراض خواهند زد و به تجمع خود پایان دادند.

کارگران قراردادی لوله سازی خوزستان ۶ ماه و کارگران رسمی ۴ ماه است که دستمزد نگرفته اند. بنا به این گزارش مدیریت شرکت با خواست بازنشستگی دوپست نفر از کارگران این شرکت که در سن بازنشستگی هستند، موافقت نکرده است و این موضوع نیز مورد اعتراض کارگران است.

کارگران لوله سازی اهواز تا کنون به اشکال مختلف به وضعیت ناروشن کار خود و عقب افتادن دستمزدهایشان اعتراض کرده اند. به

مقامات مختلف دولتی از جمله وزیر صنایع و معادن و استاندار و احمدی نژاد و غیره نامه داده اند و لی هیچگونه پاسخی نگرفته اند. هم اکنون دو ماه است که کارخانه به حالت نیمه تعطیل در آمده است و کارگران نگران از دست دادن کار خود هستند. کارگران خواهان دستمزد های پرداخت نشده خود و راه اندازی کارخانه هستند. حدود دو سال است که حتی عیدی سالانه کارگران پرداخت نشده است. کارگران میگویند که بدلیل اینکه حقوقهایشان پرداخت نشده است حتی توانسته اند فرزاندانشان را در مدرسه ثبت نام کنند. کارگران اعلام کرده اند که تا وقتی به خواستههایشان پاسخ داده نشود به اعتراضشان ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری از خواستهها و اعتراضات کارگران لوله سازی خوزستان قاطعانه حمایت میکند و از همه کارگران و مردم

بویژه مردم اهواز میخواهد که فعالانه از مبارزات کارگران پشتیبانی کنند. نپرداختن دستمزد کارگران که فشار زیادی را بر خانواده های کارگری گذاشته است یک عمل جنایتکارانه است و رسماً جرم محسوب میشود. حزب از کارگران لوله سازی خوزستان میخواهد که به اعتراضات خود ادامه دهند و از هم اکنون با تشکیل مجمع عمومی با شرکت همه کارگران، قول و قرار چگونگی ادامه مبارزه در صورت عملی نشدن وعده های مدیریت را بگذارند. با حفظ اتحاد و فضای اعتراض و تجمع همه کارگران و شرکت وسیع خانواده های کارگری است که میتوان مدیریت و مقامات حکومت را ناچار به گردن گذاشتن به خواستههای کارگران کرد.

آزادی برابری حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی حزب کمونیست کارگری ایران ۱۷ شهریور ۱۳۸۷-۷ سپتامبر ۲۰۰۸

کارگران نیشکر هفت تپه مجددا دست به تجمع اعتراضی زدند

طبق گزارشی که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، ساعت ۸ صبح روز ۱۴ شهریور بیش از ۱۵۰۰ نفر از کارگران بخش صنعت و اداری کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در اعتراض به کاهش سهمیه غذائی ماه رمضان و عدم پرداخت حقوق دوماه تیر و مرداد و نیز فروش ۷۰۰ هکتار از زمین های کشاورزی دست از کار کشیدند و جلوی درب مدیریت کارخانه تجمع کردند. لازم به توضیح است که سالها است در ایران دستمزد کارگران را تکه تکه کرده اند و بخشهایی از دستمزد را بعنوان پاداش و عیدی و جیره غذائی و غیره پرداخت میکنند که از یکطرف مبارزه و اتحاد کارگران بر سر دستمزد را با دشواری روبرو میکند و از طرف دیگر دست عوامل مختلف را برای دزدی باز کرده است. در این تجمع اعتراضی کارگران

خواستار برکناری مدیر عامل و برخی از مدیران شرکت شدند. این تجمع ۴ ساعت بطول انجامید و در ساعت ۱۲ ظهر در گرمای بالای ۵۰ درجه پایان یافت. بنا به گزارش مبلغ تصویب شده بابت سهمیه غذائی ماه رمضان از سوی دولت ۱۲۰ هزار تومان است. هر ساله این مبلغ بصورت جنسی در اختیار کارگران گذاشته میشود. امسال اعلام شده است که بصورت نقدی پرداخت خواهد شد. این موضوع منبعی برای دزدی مدیران و کارفرمایان در شرکت های مختلف است. بعنوان مثال در شرکت کاغذ پارس معادل ۷۰ هزار تومان پرداخت شده است. در نیشکر هفت تپه ابتدا صحبت از ۵۰ هزار تومان بود و اکنون گفته اند معادل ۴۰ هزار تومان پرداخت میشود. این موضوع موجب اعتراض کارگران شده و کارگران با توجه به اینکه

دستمزد دو ماه خود را نیز طلب دارند و مرتباً خبر از مزایده گذاشتن زمین های شرکت و طرح به تعطیلی کشاندن کار خود را میشوند، دست به تجمع اعتراضی زدند. ابتدا تعدادی از کارگران از کاهش سهمیه غذائی ماه رمضان مطلع شدند و جهت اعتراض به مقابل دفتر مدیریت رفتند. معاون مدیریت فردی بنام ابوالعباسی به میان کارگران آمد و شروع به طفره رفتن از موضوع کرد و از کارگران بهانه گیری کرد که دیر سر کار میایند و غیره. کارگران در مقابل او ایستادند و دیر آمدن خود او را به رخ کشیدند و گفتند خود همیشه با تاخیر به کارخانه میایی، چگونه با کارگران اینطور صحبت میکنی؟ در حالی که تعدادی از کارگران مشغول صحبت با معاون مدیر بودند سایر کارگران نیز تصمیم به تجمع گرفتند و تعداد تجمع کنندگان در مقابل

دفتر به ۱۵۰۰ نفر رسید. ابوالعباسی به کارگران گفت بیش از این پول نیست. کارگران نیز اعلام کردند که به اعتراض خود در روزهای آینده ادامه خواهند داد. بنا به آخرین گزارش کارگران نیشکر هفت تپه موفق شده اند که دستمزد تیرماه خود را نیز دریافت کنند. سنت اعتراض و تجمع در میان کارگران نیشکر هفت تپه در طول یکی دو سال گذشته چنان ارتقا یافته که هر اجحافی را با عکس العمل سریع اعتراضی خود پاسخ میدهند.

آدرس تماس و مشخصات فنی کانال جدید به این شرح است:

ماهواره هات برد	۸
فرکانس	۱۲۳۰۳ مگاهرتز
سیمبل ریت	۲۷۵۰۰
اف ای سی	۳/۴
پلاریزاسیون عمودی	(Vertical)
سایت کانال جدید:	

<http://www.newchannel.tv>

kanaljadid@yahoo.com

tv.anternational@yahoo.com

آدرس تماس:

پیش بسوی تشکیل شوراها!

زنده باد شورا!

اعتصاب کارگران کیان تایر (لاستیک البرز) وارد سومین ماه خود شد



تجمع اعتراضی کارگران کیان تایر (لاستیک البرز)

خواسته‌هایشان به تجمعات خود ادامه خواهند داد. گفتنی است که در پی اعتراضات کارگران لاستیک البرز و شکایت آنها از کارفرما، هیئت تشخیص اداره کار و امور اجتماعی اسلامشهر رای خود را به نفع کارگران صادر کرد.

بر اساس این رای: ۱- کارفرما باید حقوق دو ماه اعتصاب کارگران را پرداخت کند. لازم به یادآوری است کارفرما اعلام کرده بود. چون کارگران از تاریخ ۲۱ تیر دست به اعتصاب زده و کار نکرده‌اند دستمزدهای آنان را از آن تاریخ به بعد پرداخت نخواهد کرد

۲- بر اساس این رای سازمان تامین اجتماعی ملزم شده است دفترچه‌های درمانی کارگران لاستیک البرز را تمدید کند

۳- کارفرما موظف شده است لیست بیمه کارگران را به سازمان تامین اجتماعی رد کند. از سوی دیگر بنا بر اخبار منتشر شده روز ۱۷ شهریور کارگران لاستیک البرز از ورود دو تن از مدیران شرکت

روز ۱۳ شهریور حدود ۵۵۰ نفر از کارگران کیان تایر (لاستیک البرز سابق) در اعتراض به ۵ ماه دستمزد معوقه و عیدی و پاداش سال ۸۶ از ساعت ۸ صبح در دو طرف دفتر ریاست جمهوری، دست به تجمع اعتراضی زدند. نیروهای یگان ویژه در محل حضور داشتند. کارگران پلاکاردهائی همراه داشتند که بر آن نوشته شده بود: "ما خواهان حقوق و مزایای خودمان هستیم" و "ما حق خودمان را میخواهیم و مسئولین باید پاسخ دهند". در این تجمع نماینده‌های این کارگران برای مذاکره وارد نهاد ریاست جمهوری شدند و در ساعت ۱۱ صبح معاون رئیس جمهور در امور تجمعات مردمی به میان کارگران آمد و وعده داد ضمن پیگیری مطالبات آنان، روز جمعه ۱۵ شهریور نماینده‌های این کارگران با رئیس جمهور ملاقات حضوری داشته باشند. بدین ترتیب در ساعت ۱۲ ظهر کارگران به تجمع خود پایان دادند و اعلام کردند که اگر جوابی به آنها داده نشود این بار با جمعی بیشتر و همراه با خانواده‌های خود بخواهند گشت و تا رسیدن به

که در دفتر مرکزی این کارخانه مستقر هستند به کارخانه جلوگیری کردند و به آنان اجازه ورود به کارخانه ندادند. همچنین کارگران در پی دو روز تجمع خود در مقابل نهاد ریاست جمهوری دستمزد اردیبهشت ماه خود را دریافت کردند و قول داده شده است که بزودی فیش حقوقی دستمزدهای خرداد، تیر و مرداد ماه آنان نیز صادر شود. این در حالیست که با پیگیریها و مبارزات کارگران این کارخانه سه وازخانه کشور، صنایع و کار به عدم صلاحیت سهامدار اصلی لاستیک البرز برای اداره کارخانه رای دادند.

بنا به گزارش بدنبال کنسل شدن ملاقات حضوری نمایندگان کارگران با محمود احمدی نژاد در جمعه ۱۵ شهریور، این قرار ملاقات به چهارشنبه ۲۰ شهریور موکول شد. روز چهارشنبه ۲۰ شهریور نماینده‌های کارگران لاستیک البرز که قرار بود با رئیس جمهور ملاقات داشته باشند، با یکی از معاونین وی ملاقات کردند. در این ملاقات به نماینده‌های کارگران اعلام شد پرونده

بازداشتها و اعمال سرکوبگرانه فوق، نشاندهنده گسترش تهاجم نسبت به کل جنبش کارگری در ایران میباشد. ما از دولت شما میخواهیم که فوراً و بی‌تقصیر و شرط تمامی زندانیان سیاسی را آزاد کنید و اتهامات و احکام موجود علیه فعالین کارگری در ایران را لغو نمایید. ما همچنین خواهان آزادی منصور اسانلو، رئیس سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه، که به ۵ سال زندان محکوم شده‌اند و از جولای ۲۰۰۷ در حبس هستند، میباشیم. نمایندگی از سازمان زنان کارگر و فدراسیون اتحادیه‌های کارگری سراسر پاکستان، ما قویا خواهان

کارخانه لاستیک البرز روز شنبه ۲۳ شهریور در ستاد بحران ریاست جمهوری مورد بررسی قرار خواهد گرفت. کارگران لاستیک البرز همچنان در اعتصاب بسر می‌برند و اعلام کرده‌اند تا رسیدن به همه خواسته‌هایشان به اعتصاب خود ادامه خواهند داد. کارگران لاستیک البرز خواهان دستمزدهای پرداخت نشده خود و سلب صلاحیت از سهامدار اصلی این شرکت هستند.

کارگران لاستیک البرز اعلام کرده‌اند چنانچه به خواسته‌های آنان رسیدگی نشود در مقابل مجلس و یا دفتر مرکزی شرکت لاستیک البرز اند چنانچه به خواسته‌های آنان رسیدگی نشود در مقابل مجلس و یا دفتر مرکزی شرکت لاستیک البرز دست به تجمع خواهند زد. بنا به گزارش علاوه بر ۵ ماه دستمزد معوقه، به دلیل عدم واریز حق بیمه کارگران از سوی کارفرما به حساب سازمان تامین اجتماعی

نامه اعتراضی سازمان زنان کارگر و فدراسیون اتحادیه‌های سراسر پاکستان راجع به دستگیریها، احکام شلاق، زندان و ...

نمایندگی از سازمان زنان کارگر و فدراسیون اتحادیه‌های کارگری سراسر پاکستان، ما قویا خواهان

بازداشتها و اعمال سرکوبگرانه فوق، نشاندهنده گسترش تهاجم نسبت به کل جنبش کارگری در ایران میباشد. ما از دولت شما میخواهیم که فوراً و بی‌تقصیر و شرط تمامی زندانیان سیاسی را آزاد کنید و اتهامات و احکام موجود علیه فعالین کارگری در ایران را لغو نمایید. ما همچنین خواهان آزادی منصور اسانلو، رئیس سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه، که به ۵ سال زندان محکوم شده‌اند و از جولای ۲۰۰۷ در حبس هستند، میباشیم. نمایندگی از سازمان زنان کارگر و فدراسیون اتحادیه‌های کارگری سراسر پاکستان، ما قویا خواهان

نمایندگی از سازمان زنان کارگر و فدراسیون اتحادیه‌های کارگری سراسر پاکستان، ما قویا خواهان

نمایندگی از سازمان زنان کارگر و فدراسیون اتحادیه‌های کارگری سراسر پاکستان، این نامه را مینویسم که خشم شدید خود را نسبت به احکام شلاق و زندان علیه فعالین کارگری در ایران اعلام نمایم. ما مطلع شده ایم که خانم سوسن رازانی به ۹ ماه زندان و ۷۰ ضربه شلاق و نیز خانم شیوا خیرآبادی به ۴ ماه زندان و ۱۵ ضربه شلاق آقای عبدالله خانی به ۹۱ روز زندان و ۴۰ ضربه شلاق و آقای سیدغالب حسینی به ۶ ماه زندان و ۵۰ ضربه شلاق محکوم شده‌اند. این احکام توسط شعبه ۱۰۱ دادگاه جزایی سنندج صادر گردیدند. فعالین کارگری فوق تنها بدلیل شرکت در مراسم روز اول

زنده باد اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران!

Copy of Protest Letters to
info@leader.ir,
info@judiciary.ir
CC: info@workers-iran.org
ترجمه و تکثیر: اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

اعتراضات کارگران در فرش غرب بافت، نساجی کردستان و پوریس در سندیج

از صفحه ۱۷

میخواستند در میان کارگران ترس و نگرانی ایجاد کنند. اما کارگران در مقابل جواب دادند ما بازگشت به کار و حقوقهای معوقه خود را میخواهیم این حق ما را بدهید ما هم اینجا تجمع نمیکنیم. مسئولین استانداری چندین بار نمایندگان کارگران را به داخل استانداری بردند و از آنها خواستند تجمع را تمام کنند. تعدادی از جوانان سندیج که در محل تجمع کارگران حاضر شده و خواسته بودند عکس و فیلم بگیرند بوسیله لباس شخیصها و نیروهای انتظامی مورد حمله قرار گرفتند و با کتک کاری دوربینهای آنها را ضبط کردند. بعد از پاک کردن عکسها دوربینها را به آنها پس دادند. ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه هنگامیکه کارمندان استانداری بعد از تعطیلی کار میخواستند سوار سرویس خود شده و به خانه برگردند، کارگران پلاکارد خود را بلند کرده و برای جلب توجه آنها خواسته های خود را تکرار میکردند. کارگران نساجی اعلام کردند این تجمعات را تا رسیدن به مطالباتشان ادامه میدهند. روز ۲۱ شهریور کارگران نساجی کردستان از ساعت ۹ صبح در مقابل استانداری کردستان دست به تجمع زدند.

در این تجمع کارگران پارچه نوشته و پلاکاردهای متعددی را با خود به همراه داشتند. بر روی این پلاکاردها علاوه بر خواست دستمزدهای معوقه و استمرار کار شعارهایی نیز از قبیل "لغو قراردادهای موقت" - "نان و کار" ... به چشم میخورد.

در حرکت اعتراضی این روز نماینده های کارگران با اقبال پور مسئول سیاسی امنیتی استانداری کردستان دیدار کردند. در این دیدار اقبال پور اعلام کرد که ۵۰۰ میلیون بدهی کارخانه را به وزارت دارایی به ۱۵۰ میلیون تومان کاهش داده اند که در صورت پرداخت آن از سوی کارفرما و گردش حساب از سوی وی، وام دو میلیاردی در اختیار کارخانه نساجی قرار خواهد گرفت. در برابر این سخنان یکی از نمایندگان استان کردستان از کارگران نساجی خواست که برای

پیگیری مطالبات شان تا ۲۶ شهریور ماه به آنها فرصت دهند تا برای لغو انحلال نساجی کردستان و پرداخت دستمزد کارگران تلاشی را صورت دهد. بدون اینکه برای حل قطعی مسئله به کارگران تعهدی دهد. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران او گفته است تمام تلاش خود را برای تحقق اینکار انجام خواهد داد. به همین دلیل احتمالاً کارگران نساجی کردستان تا روز ۲۶ شهریور در مقابل استانداری تجمع نخواهند کرد و چنانچه تا این روز کاری صورت نگیرد دامنه اعتراضات خود را گسترش خواهند داد. در این تجمع اعتراضی نیروهای امنیتی و انتظامی حضور داشتند و در پایان این تجمع که در ساعت ۱۳ و ۳۰ دقیقه صورت گرفت نیروهای گارد ویژه اقدام به جمع آوری پلاکاردهای کارگران کردند و آنها را با خود بردند.

تجمع اعتراضی کارخانه ریسندگی پوریس :

صبح ۱۷ شهریور در حدود ساعت ۱۱ ظهر نماینده های کارگران پوریس نامه ای اعتراضی کارگران مبنی بر رسیدگی به وضعیت خود را به استاندار و اداره کار دادند. و قرار که روز ۱۸ شهریور صبح مسئولین به کارخانه بروند و با کارگران در کارخانه صحبت کنند. روز ۲۰ شهریور نماینده های کارگران پوریس به دعوت اداره کار در جلسه رسیدگی به شکایت شان از کارفرما شرکت کردند. این جلسه با شرکت نماینده های کارگران، نماینده کارفرما، رئیس حراست و رئیس و معاون اداره کار تشکیل شده بود.

در این جلسه کارگران خواستهای خود را مطرح کردند و نماینده کارفرما ضمن موافقت با خواستهای آنان اعلام کرد کارگران باید تعهد بدهند که دیگر دست به اعتصاب نخواهند زد و می بایستی بابت ضرری که طی ۸ روز اعتصاب و تعطیلی کار به کارفرما خورده است، خسارت بدهند. در مقابل این پیش شرطها نمایندگان کارگران با

حق کارگران بوده است و در سالهای ۸۵ و ۸۶ از این مرخصی استفاده نکرده اند.

روز ۱۹ شهریور نمایندگان کارگران نامه ای را که روز قبل توسط کارگران نوشته شده بود و حاوی مطالبات آنان بود، به استانداری و اداره کار بردند. مسئولین این ادارات وعده دادند که روز ۲۰ شهریور به کارخانه پوریس بروند و با کارگران وارد مذاکره شوند.

اعتصاب کارگران پوریس روز ۱۳ شهریور در پی تصمیم کارفرما برای فرستادن کارگران به مرخصی اجباری آغاز شد. کارفرما علیرغم گذشت شش روز اعتصاب کارگران تا کنون با

قاطعیت اعلام کردند که ما هیچ تعهدی نمی دهیم. این کارفرماست که دستمزد ما کارگران را پرداخت نکرده است و باعث شده که ما دست به اعتصاب بزنیم. ما مرغ و برنجی را که دو ماه پیش می توانستیم با دریافت بموقع دستمزد خود با هزار تومان بخیریم الان باید با دو هزار و پانصد تومان بخیریم و اگر قرار بر پرداخت خسارت باشد این کارفرماست که دو ماه از دستمزدهای ما را بالا کشیده است و باید خسارت پرداخت کند.

در ادامه این جلسه نماینده های کارگران پس از گفتن حرفهای خود معترضانه جلسه را ترک کرده و علیرغم اصرار مسئولین کار در آنجا نمانده و به کارخانه برگشتند و گزارش جلسه را به کارگران دادند. پس از گزارش نماینده ها، کارگران پوریس شدیداً نسبت به خواست کارفرما معترض شدند و متحدهانه بر خواست خود پای فشرده و ضمن رد قاطعانه خواستهای ضد انسانی کارفرما بر ادامه اعتصاب تا رسیدن به خواست هایشان تاکید نمودند. کارگران این کارخانه روز ۱۸ شهریور ۱۳۸۷ مجمع عمومی خود را در محل کارخانه برگزار کردند. و در آن ۵ نفر را به عنوان نماینده انتخاب کردند. کارگران اعتصابی نامه ای در اعتراض به وضعیت خود تنظیم کردند و قرار گذاشتند که روز ۱۹ شهریور توسط نمایندگان خود آرا تحویل اداره کار سندیج دهند و خواستهای خود را پیگیری کنند. کارگران در این مجمع اعلام کردند که در صورتیکه به خواست هایشان جواب ندهند، علاوه بر ادامه اعتصاب اقدامات دیگری را در دستور خود میگذارند. کارگران در نامه خود بر خواستهای زیر تاکید گذاشتند:

- ۱- ممنوعیت مرخصی های اجباری که از سوی کارفرمایان بر کارگران تحمیل میشود
- ۲- دریافت دو ماه از دستمزدهای معوقه
- ۳- دریافت حقوق مدت مرخصی که

دو خبر از اعتراضات کارگری در سطح جهان

دستگاه شده است.

شاید ذکر این نکته اهمیت داشته باشد که تعداد زیادی از شرکتهای اتومبیل سازی بدلیل نیروی کار ارزان در برزیل، در سالهای اخیر کارخانه های خود را به این کشور منتقل کرده اند.

اعتصاب ۲۷۰۰۰ کارگر کارخانه بوئینگ آمریکا

بدنبال پایان مدت قرارداد دسته جمعی کارگران کارخانه بوئینگ آمریکا در روز ۱ سپتامبر و بی نتیجه ماندن مذاکرات اتحادیه این کارگران با مدیریت کارخانه برای تأمین شغلی آنها، ۸۰ درصد از این کارگران در یک رأی گیری به اعتصاب رأی دادند و خواهان توقف کار تا رسیدن به خواستهایشان شدند. این اعتصاب که از ساعت ۱۲ نیمه شب روز جمعه ۵ سپتامبر شروع شده است شامل ۲۷۰۰۰ کارگر می شود که در کارخانه های Kansas، Oregon و Washington مشغول بکار هستند. کارگران خواهان گنجاندن تأمین شغلی، پوشش درمانی، مزایای حقوقی و بازنشستگی در قرارداد جدید هستند. گفته می شود خسارت ناشی از این اعتصاب به ۱۴۸ میلیون دلار در روز می رسد.

داوود رفاهی

پیروزی کارگران شرکت اتومبیل سازی رنو و نیسان در برزیل

۴۰۰۰ تن از کارگران شرکتهای اتومبیل سازی رنو و نیسان روز جمعه ۵ سپتامبر بعد از ۴ روز اعتصاب تصمیم به بازگشت به کار گرفتند. این کارگران خواهان ۱۳ درصد افزایش دستمزد شده بودند که بالاخره با تن دادن مدیریت به ۱۰٫۱ درصد موافقت کردند و کارهای خود را از سر گرفتند. همزمان اعتصاب ۴۲۰۰ کارگر شرکت اتومبیل سازی فلوکس واگن نیز برای افزایش دستمزدهایشان وارد پنجمین روز شد. تاکنون مدیریت با ۱۰ درصد اضافه دستمزد این کارگران موافقت کرده است ولی کارگران خواهان درصد بالاتری هستند و اعلام کرده اند که به اعتصاب خود ادامه خواهند داد. هفته گذشته نیز کارگران شرکتهای جنرال موتورز، هوندا، تویوتا و مرسدس بنز که در حومه شهر ساو پائولو پایتخت برزیل واقع شده اند، برای افزایش ۱۸ درصد دستمزدهایشان دست از کار کشیدند. این اعتصابات در شرکت رنو و نیسان تاکنون باعث افت تولید بیش از ۳۲۰۰ دستگاه اتومبیل و در شرکت فلوکس واگن نیز بیش از ۴۰۰۰

اعتراضات کارگران در فرش غرب بافت، نساجی کردستان و پوریس در سنندج از صفحه ۱۸

حراست اداره کار، کارگران در مسجد این اداره جمع شدند و جلسه ای با شرکت سه نفر از نمایندگان کارگران، کارفرما، حراست و رئیس اداره کار تشکیل شد.

کارفرما در این جلسه اعلام کرد من در حال حاضر نمیتوانم کارگران را بر سر کار برگردانم اما میتوانم آنان را به بیمه بیکاری متصل کنم و ۱۰ نفرشان را در تاریخ ۱ فروردین ۸۸ بر سر کار بازگردانم. بدنبال این صحبتها از سوی کارفرما، نماینده های کارگران خواسته های خود را اعلام کردند و اداره کار ضمن پذیرش این خواستها قرار شد روز شنبه مورخه ۲۳ شهریور رای خود را بر اساس آن صادر کند و چنانچه از سوی کارفرما مورد پذیرش قرار نگیرد رای بازگشت بکار برای کارگران صادر کند.

کارگران غرب بافت در طرح خواسته های خود اعلام کرده اند پرداخت حقوق و مزایای تمامی ۱۵ کارگر باید بصورت نقدی صورت بگیرد و چنانچه این خواستها مورد توافق کارفرما قرار نگیرد هر پانزده نفر کارگران خواهان بازگشت بکار هستند.

تجمعات اعتراض کارگران نساجی کردستان

طبق اخبار رسیده به کمیته کردستان حزب روز سه شنبه ۱۲ شهریور ۱۳۸۷ کارگران نساجی کردستان در مقابل در کارخانه تجمع و اعلام تحصن کردند. کارگران روز دوشنبه مبارزات این دوره خود و نتایج آنرا بررسی کردند و تصمیم گرفتند که برای رسیدن به مطالباتشان با برپا کردن چادر در مقابل کارخانه تحصنی را اعلام کنند. روز سه شنبه این تصمیم اجرا و برای ادامه کاری این اقدام صندوق کمک و حمایت مالی سازمان دادند. تعدادی از کارگران معترض به منظور تامین نیاز روزهای تحصن هر کدام مبلغ معینی به این صندوق واریز کردند. کارگران با آغاز تحصن در مقابل کارخانه اعلام کردند

کارفرما گفته بود ۷ نفر را به سر کار باز می گرداند و به بقیه برای یک سال ۲ ماه بیمه می دهد که کارگران قبول نکردند. در ضمن به کارگران گفته بودند که اول سال ۸۸ آنها را با بیمه بیکاری می فرستند که کارگران قبول نکردند بکه با بازگشت ۱۰ نفر به سر کار موافقت می کنند به شرط اینکه بطور کتبی بنویسند و ۵ نفر باقیمانده هم اداره کار تعهد کتبی بدهد که آنها را به کار جدید اشتغال دهد. نتیجتا اینکه کارگران به اداره کار تا روز شنبه ۲۳ شهریور مهلت دادند که اگر طبق خواسته های آنها نتیجه ندهد، دست به راهپیمایی و تشدید اعتراضات خود خواهند داد. روز ۲۱ شهریور طبق قرار قبلی کارگران فرش غرب بافت جهت گرفتن رای هیئت حل اختلاف به اداره کار سنندج مراجعه کردند.

کارگران غرب بافت اعلام کرده بودند چنانچه در این روز رای اداره کار صادر نشود و در صورت صدور چنانچه در تئانی با کارفرما باشد، اعتراضات خود را تشدید خواهند کرد به همین دلیل هیئت حل اختلاف اداره کار تحت فشار کارگران قادر نشده بود رای خود را صادر نماید. در پی این وضعیت و با تجمع کارگران فرش غرب بافت در مقابل اداره کار، این کارگران بدنبال توهین رئیس هیئت حل اختلاف با او درگیر شدند و در نتیجه اعتراض شدید آنان مسئولین نیروی انتظامی، اداره اطلاعات و حراست اداره کار به میان کارگران آمده و و اسدی رئیس اداره کار را پایین آوردند و در میان کارگران و مردمی که جمع شده بودند، رئیس اداره کار را مورد بازخواست قرار دادند و اعلام کردند اخبار این کارگران در همه جا پخش شده است و شما مسئول این وضعیت هستید و از وی خواستند فوراً رای بازگشت به کار برای کارگران فرش غرب بافت صادر کند و چنانچه کارفرما بر بازگشت بکار کارگران تن ندهد باید خواسته های آنان را بر آورده کند. بدین ترتیب با در خواست رئیس

آرامش دعوت کردند و متعاقباً کارگران را به داخل اداره بردند. نمایندگان کارگران با رئیس اداره و دیگر مسئولین به مذاکره نشستند و ایوبی رئیس کارخانه هم در این جلسه بود. در این نشست ابتدا کارگران خواسته های خود را به مسئولین اداره کار و ایوبی رئیس کارخانه، به شرح زیر بیان کردند:

خواسته های کارگران در باره ۱۰ نفر از کارگران به شرح زیر بود:
۱- پرداخت حقوق و مزایای ایام بلا تکلیفی آنان از مورخه ۱ تیر ۸۷ تا زمان صدور رای قطعی از سوی اداره کار توسط کارفرما
۲- پرداخت مابه التفاوت دستمزد کارگران نسبت به بیمه بیکاری از سوی کارفرما در طول دوره اتصال آنان به بیمه بیکاری

۳- تعهد محضری کارفرما به کارگران و اداره کار مبنی بر بازگشت بکار آنان در مورخه ۱ فروردین ۸۸ بر سر کار اولیه تا دوران بازنشستگی
خواست کارگران در باره ۵ نفر دیگر از کارگران اخراجی:

۱- به توافق رسیدن کارگران و کارفرما در مورد سنوات و مزایا در قبال اخراج
۲- پرداخت حقوق و مزایای ایام بلا تکلیفی آنان از مورخه ۸۷/۴ تا زمان صدور رای قطعی از سوی اداره کار توسط کارفرما
۳- بکار گرفتن این کارگران از سوی اداره کار و ثبت آن در حکم قطعی

در صورتی که با این خواسته های کارگران موافقت نکنند، ۱۵ نفر کارگر حکم بازگشت به کار را خواستار خواهند شد. اداره کار گفته بود که می تواند ۱۰ نفر را به سر کار بازگرداند و برای ۵ نفر دیگر باید اداره کار، کارفرما و کارگران به توافق برسند. بر سر مسئله اشتغال کارگران شرایط خود را برای ۱۰ و ۵ نفر بطور مشخص که فوق ذکر شد مطرح کرده اند. در جلسه



تجمع اعتراضی کارگران نساجی کردستان

کارگران را به دفتر ریاست جمهوری و وزارت اطلاعات محول میکنند. در عین حال که به کارگران گفت حق با شما است و باید خواسته های شما بررسی شود. کارگران در مقابل اعلام کردند که چرا مقامات دولتی و کارفرما حقوق ما را پایمال میکنند و کسی هم خود را موظف به جوابگویی نمیداند؟ معاون سیاسی فرمانداری جوابی برای کارگران نداشت و این تجمع تا ساعت ۱۴ ادامه داشت.

کارگران اعلام کردند که هر روز در مقابل استانداری تجمع خواهند کرد. مجمع کارگران نساجی تصمیم گرفت که از همه کارگران دیگر مراکز کارگری که مشکلات مشابهی دارند بخواهند تجمعاتشان را یکی کنند و هماهنگ برای رسیدن به مطالبات خود اعتراض را با قدرت بیشتری ادامه دهند. کارگران قرار گذاشتند برای پیگیری خواسته های هر روز در مقابل استانداری به تجمعات خود ادامه دهند.

روز ۱۹ شهریور کارگران نساجی کردستان دوباره در مقابل استانداری تجمع کردند. کارگران پلاکاردهای بزرگی که روی آن نوشته بودند: "ما کارگران نساجی خواهان استمرار به کار و پرداخت حقوقهای معوقه خود هستیم" در دست داشتند. نیروی انتظامی و لباس شخصیها کارگران را زیر کنترل خود داشتند و مرتب تلاش میکردند که کارگران را متفرق و به آنها فشار می آوردند که تجمعاتشان را تمام کنند. آنها به کارگران گفتند که ضد انقلاب میخواهد از این تجمع شما سو استفاده کند و ... با این حرفها

صفحه ۱۶

زنده باد جنبش مجمع عمومی

مجمع عمومی نمایندگان کارگران تعدادی از کارخانه های سنندج برگزار شد!

کارگران سنندج را فرامیخوانیم که با تشکیل مجمع عمومی و انتخاب نمایندگان خود به این مجمع بپیوندند. این الگو اگر در سطح استان و کل کشور گسترش یابد میتواند کارگران را از این پراکندگی و بی تشکیلی نجات دهد. در عین حال نمایندگان کارگران با اتکا به همه اعضای مجامع عمومی مراکز کارگری، میتوانند با احساس قدرت و همبستگی طبقاتی خود، بیش از پیش در جهت تحقق مطالبات کارگری بکوشند. رفقای کارگر با گسترش جنبش مجمع عمومی در همه مراکز کارگری تلاش کنیم که ابعاد مجامع نمایندگان کارگران را هم گسترش دهیم. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۱۷ شهریور ۸۷ - ۷ سپتامبر ۲۰۰۸

البرز و نیشکر هفت تپه بکوشد. رفقای کارگر! تصمیم و تلاش کارگران و نمایندگانشان در چندین مرکز کارگری در سنندج، به منظور تشکیل مجمع عمومی نمایندگان این مراکز قدم مهمی در سیر تشکیلی و اتحاد کارگری است. ما تشکیل مجمع نمایندگان کارگران در سنندج را به همه فعالین و دست اندرکاران این اقدام کارگری تبریک میگوئیم. این اقدام آگاهانه و کارساز کارگران سنندج، یک قدم مهم در راستای تحقق خواستههای خود و تلاشی ارزشمند برای اتحاد جنبش کارگری است. جنبش مجمع عمومی و تشکیل مجمع نمایندگان چندین مرکز کارگری در سنندج الگویی پیشرو و تلاشی بسیار ارزشمند است که میتواند سرمشقی برای همه مراکز کارگری باشد. ما همه

های نامبرده تصمیم گرفته است که در راستای محکم تر کردن روابط نمایندگان کارگران کارخانه های سنندج و استحکام روابط این نمایندگان با اتحادیه آزاد کارگران ایران بکوشد. در این مجمع قرار شده است فعالین اتحادیه آزاد کارگران جلسه مشترکی را با کارگران شرکت قطعات فولادی سنندج برای آشنایی هر چه بیشتر آنان با چگونگی تلاش برای دستیابی به مطالباتشان برگزار کنند. مجمع عمومی نمایندگان کارگران حمایت و همبستگی خود را با اعتصاب و مطالبات کارگران کارخانه های لاستیک البرز و نیشکر هفت تپه اعلام کرده و از اتحادیه آزاد کارگران ایران خواسته است برای گسترش مجمع عمومی نمایندگان کارگران در سراسر کشور ویژه کارگران لاستیک

مراکز کارگری در سطح استان و کشور بوده است. این مجمع تصمیم گرفته است که برای ملحق شدن نمایندگان کارگران سایر کارخانه ها در سنندج بکوشد و در سطح کشور تلاش کند ابعاد این نوع فعالیت متحدها را گسترش دهد. بر اساس گزارش منتشر شده از طرف اتحادیه آزاد کارگران، مسائلی که در این مجمع مورد بررسی قرار گرفته است عبارتند از: ۱- خواست پرداخت دستمزدهای معوقه ۲- استمرار کار کارگران کارخانه های در معرض تعطیلی ۳- خواست لغو قراردادهای موقت کار ۴- خطر اخراج روز افزون کارگران مجمع نمایندگان کارگران کارخانه

این مجمع از مطالبات و مبارزات کارگران لاستیک البرز و نیشکر هفت تپه حمایت کرد! طبق گزارشی که اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر کرده است به فراخوان این اتحادیه اولین مجمع عمومی نمایندگان کارگران کارخانه های پیریس، نساجی کردستان، فرش غرب بافت، شرکت قطعات فولادی و کارگران آجریزی در سنندج برگزار شد. طبق خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است نمایندگان کارگران شاهره هم از تصمیمات این مجمع حمایت کرده اند. نمایندگان کارگران این کارخانه ها در این مجمع حول مسائل و مطالبات مشترکشان به بحث و تبادل نظر پرداختند و تصمیماتی گرفتند. از جمله این تصمیمات: تلاش برای تشکیل مجامع نمایندگان دیگر

اخبار اعتراضات کارگران فرش غرب بافت، نساجی کردستان و پوریس در سنندج



عکسی از تجمع اعتراضی کارگران فرش غرب بافت سنندج

نیروهای انتظامی میدهد تا در مقابل استانداری با باتوم له کنند. وی اعلام کرد بگوئید بیایند ما را له کنند، مگر ما چیزی جز حق مان میخواستیم. کارگران فرش غرب بافت همچنین روز پنجشنبه ۲۱ شهریور در مقابل اداره کار تجمع کردند و خواستار پاسخ مسئولین به حق و حقوق عنوان شده خود بودند. ساعت ۱۰ صبح مسئولین اداره کار کارگران را به

کردستان به آنان خوش آمد گفتند و کارگران هر دو کارخانه دوشادوش هم به تجمع خود در مقابل استانداری ادامه دادند. پس از حضور کارگران فرش غرب بافت در مقابل استانداری، نماینده آنان به داخل استانداری رفت و ضمن طرح مسائل و مشکلات کارگران به مسئولین استانداری اعلام کرد که نماینده استانداری در اداره کار به کارگران گفته است کارگران را به

مقامات دولتی ناچار به جوابگویی شوند. به دنبال مقاومت کارگران و ادامه بستن خیابان فرماندهی نیروی انتظامی ناچاراً به محل آمد و کارگران را به آرامش دعوت کرد. کارگران اعلام کردند که ما دو خواست بر حق داریم و دولت و کارفرما باید به ما جواب بدهند. گفتند ما خواهان بازگشت به کار و پرداخت دستمزدهای معوقه خود هستیم. اداره کار هم به کارگران اعلام کرد که تا روز پنجشنبه ۲۱ شهریور که تصمیم اداره کار کتبی به آنها ابلاغ میشود تجمع نکنند. کارگران در اعتراض به این تصمیم اداره کار و کارفرما گفتند هر روز به تجمع و اعتراض خود ادامه میدهند و تا ساعت ۱۵ و ۳۰ دقیقه تجمعشان را ادامه دادند. در تداوم این اعتراضات کارگران فرش غرب بافت روز ۲۰ شهریور به شورای شهر سنندج رفته و

تجمعات اعتراض کارخانه فرش غرب بافت: کارگران فرش غرب بافت روز ۱۹ شهریور ۱۳۸۷ ساعت ۸ در مقابل اداره کار تجمع کردند. کارگران پلاکاردهایی در دست داشتند و تا ساعت ۱۵ و ۳۰ دقیقه این تجمع ادامه داشت. هیچ کس از مسئولین دولتی و کارفرما حاضر نشد جوابی به کارگران بدهد. کارگران برای اینکه مقامات دولتی را ناچار به پاسخ گویی کنند- راس ساعت ۱۰ صبح در حالیکه پلاکاردها را در دست داشتند خیابان جلو اداره کار را بستند. ۱۰ دقیقه بعد از بستن خیابان نیروهای انتظامی وارد مذاکر شدند و از کارگران خواستند که خیابان را نبندند. اما کارگران اعلام کردند که ما مطالباتی داریم و کسی جوابگو نیست بنابراین ما این کار را میکنیم که

زنده باد جنبش مجمع عمومی!